

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۶، چهارشنبه ۲۹ فروردین ۱۳۵۸

تعداد شماره ۱۵ ریال

## مصاحبه مطبوعاتی رفیق نورالدین کیانوری

### دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران

روا داشته شده است عمیقاً متاسفیم و تفر خود را از کسانی که مرتکب این عمل شده‌اند ابراز می‌کنیم. همانطور که امروز طرفی از مسئولان کمیته‌های انقلاب هم اظهار شد؛ باید بگوئیم که این حادثه را نمی‌توان به پای تمام کمیته‌های انقلاب گذاشت. این کمیته‌ها، در جهت دموکراتیک کردن مملکت؛ در جهت مبارزه با عوامل رژیم سابق و در جهت ریشه کن کردن دشمنان انقلاب ایران، نقش بسیار مهمی ایفا کرده‌اند و ایفا می‌کنند. بدین جهت، ما با کوشش کسانی که سعی دارند این حادثه را بهانه قرار دهند و فعالیت مثبت کمیته‌های انقلاب را زیر علامت سؤال بگذارند، به شدت مخالفیم. به عقیده‌ما، عناصر ناپای در کمیته‌های انقلاب وارد شده‌اند. همانطور که نماینده کمیته‌های انقلاب، امروز اعلام داشت؛ عناصر ساواکی شناسایی شده‌اند. این‌ها در داخل کمیته‌های انقلاب، علیه فعالیت‌های ملی و انقلابی کمیته‌های انقلاب حادثه‌جویی می‌کنند. تحریک می‌کنند. ما، مدت‌ها هشدار می‌دادیم که عناصر ساواک، عناصر امپریالیسم امریکا، عناصر سازمان‌های جاسوسی اسرائیل کوشش خواهند کرد که در صف انقلابیون وارد شوند و از داخل خنجر بزنند. خیلی

در آغاز از جانب حزب توده ایران، از دوستان و آشنایانی که برای شنیدن نظریات ما، حضور بهم رسانده‌اند تشکر می‌کنم. ابتدا، نظر خودمان را درباره مسأله‌ای که امروز در جامعه ما مطرح است، توضیح می‌دهم و سپس به سؤال‌های خانم‌ها و آقایان جواب خواهم داد. قبل از هر چیزی، می‌خواستم از طرف حزب در دو مورد بسیار حاد، توضیح دهم:

مورد اول، ابراز تأسف عمیق حزب ماست در مورد حادثه‌ای که برای حضرت ایت‌الله طالقانی پیش آمده و بی‌حرمتی‌هایی که به شخص ایشان شده است. حزب توده ایران، ایت‌الله طالقانی را یکی از برجسته‌ترین چهره‌های انقلاب ایران می‌داند که در جهت مثبت، یعنی در جهت تداوم جنبش انقلابی ایران نقش بسیار مهمی ایفا کرده‌اند و می‌کنند و خواهند کرد. ایشان، به همین جهت مورد احترام عمیق حزب ما هستند و ما از این حادثه پیش‌آمده و از این بی‌احترامی که نسبت به ایشان

بقیه در صفحه ۳



## جبهه متحد خلق

انقلاب ایران لحظات حساسی را می‌گذراند. دشمنان انقلاب دامنه حادثه سازی‌ها و توطئه‌گری‌های خود را گسترش داده‌اند. هنوز ماجرای خونین سنج و کشتار گنبد فرو ننشسته خبر از ندادن توطئه‌های نظیر در سایر مناطق می‌رسد و دست‌های پلیدی موفق می‌شوند در پایتخت کشور حادثه آفرینی کرده و در صف نیروهای انقلابی شکار اندازند.

در این لحظه باید هشیار بود!

ظاهر حوادث بسیار پیچیده می‌نماید. کلاف سردرگمی از تلاقی انواع مناسبات آشکار و پنهان سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیک و حتی شخصی میان انواع مراجع قدرت و سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی پدید آمد که به آسانی نمی‌توان سرنخ آن را به دست گرفت و پی‌بهریسه حوادث برد. اما در پشت سر این ظاهر بفرنج حقیقت ساده و روشنی خوابیده است و آن این‌که انقلاب ایران ضربت بسیار سنگینی به امپریالیسم و صهیونیسم وارد آورده و امپریالیست‌ها تمام قوا و همه مهارت سازمان‌های توطئه‌گر و خرابکار خود را به کار انداخته‌اند تا شاید آب رفته را به جوی برگرداند و یا لاقل از پیشرفت انقلاب جلو گیرند.

محافل امپریالیستی و متحدین صهیونیست آن‌ها - که نقش کم در کشور ما ندارند - از دو راه عمده عمل می‌کنند: تغییر جبهه اصلی نبرد و تفرقه افکنی.

اگر حوادث سیاسی پر سروصدائی را که در دوماهه پس از پیروزی انقلاب رخ داده از نظر بگذرانیم متوجه می‌شویم که همه آن‌ها در منحرف کردن مردم ایران از جبهه اصلی نبرد که علیه امپریالیسم است وجه مشترک دارند. تردیدی نیست که از رژیم وابسته به امپریالیسم و خائن به منافع ملی ارث بسیار سنگین و شومی باقی است. هزاران مسئله حل نشده اجتماعی - سیاسی ده‌ها سال روی هم انباشته شده و به آسانی می‌توان هر یک از آنان را وسیله تحریک افکار عمده‌ای از مردم قرار داد. به ویژه اگر دولتی که پس از انقلاب بر سر کار آمده در حل این‌گونه مسائل تعلل کند میدان برای تحریک مردم فراهم می‌شود.

دومین وجه مشترک همه حادثه سازی‌های دوماهه اخیر خصالت تفرقه افکنانه آن‌ها است. در واقع در دناک سنج همه دیدند که کسانی به هر دوسوی جبهه تیر اندازی می‌کردند ولی متأسفانه این درس آموزنده به حد کافی مورد توجه قرار نگرفته و گاه این واقعیت آشکار از دیدها پنهان می‌ماند که کسی در این میان به هر دوسو تیر می‌افکند: مأموران خود را در کمیته‌ها جا می‌دهد و به دست آنان خرابکاری می‌کند و هم جنجال به راه می‌اندازد که کمیته‌ها گناهکارند و از این همه تنها قصدی که دارد شکار انداختن میان نیروهای انقلاب، تضعیف موقعیت جنبش انقلابی و احتمالاً تعطیل کمیته‌ها به سود شهربانی است.

البته قشرهای اجتماعی معینی هستند که از این وضع خرسندند. هم‌چنان‌که در «گزارش هیئت اجراییه حزب توده ایران به شانزدهمین بلنوم کمیته مرکزی» آمده «بورژوازی لیبرال که تاکنون با جنبش همراه بوده می‌کوشد جنبش را در چارچوب منافع محدود طبقاتی خود

بقیه در صفحه ۶

## مشکل بیکاری را با همکاری همه زحمتکشان می‌توان و باید حل کرد

بیکاری به یکی از بزرگ‌ترین مشکلات کنونی همه زحمت‌کنان میهن ما، دولت موقت انقلابی و تمام جامعه ما بدل شده است. طبق اطلاع رسمی بیش از ۳۵ میلیون نفر بیکارند و این رقم وحشتناک همچنان روبه‌فزون می‌شود.

بیکاری، هم ارثیه شومی است که از رژیم سرنگون شده برجای مانده و هم نتیجه اختلال ناگزیری است که در جریان انقلاب در اقتصاد کشور ایجاد گردیده است. ولی در هر حال آشکار است که بیکاری برای میلیون‌ها نفر از هموطنان زحمت‌کش ما به معنی فقر و گرسنگی است. متأسفانه دولت موقت انقلابی تاکنون هیچ اقدام جدی و فوری برای حل این مشکل نکرده است. و درست به همین جهت، نارضائی بیکاران از این وضع تحمل‌ناپذیر، به صورت اعتراضات، تظاهرات و تحصن‌ها بروز کرده و می‌کند.

مسلم است که بیکاری بیش از ۳۵ میلیون نفر را نمی‌توان بلافاصله از بین برد. ولی این هم مسلم است که گرسنگان را نمی‌توان به صبر و حوصله دعوت کرد. لذا دولت موظف است که هم با اقدامات فوری و هم با برنامه دراز مدت، قاطعانه و پی‌گیرانه به مبارزه با بیکاری برخیزد. اقدامات فوری را از جمله می‌توان با پرداخت کمک منظم به بیکاران - تا اشتغال به کار - تا آن حد که بتواند زندگی حد اقل آن‌ها را تأمین کند، بعمل آورد.

برنامه دراز مدت را می‌توان با به کار انداختن فوری مؤسسات تولیدی، ساختمانی و خدمات، با شرکت مؤثر کارگران و سندیکاهای کارگری، با ملی کردن مؤسسات صنعتی و کشاورزی و مالی امپریالیستی

بقیه در صفحه ۶

## زمینه‌های عینی اتحاد

در هفته گذشته دوتن از اعضای مؤسسه حزب جمهوری اسلامی، آقایان کاظم بجنوردی و دکتر حسن آیت، طی مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان (دوشنبه ۲۵ فروردین‌ماه) مواضع حزب خود را در مورد مسائل مختلف اقتصادی و اجتماعی کشور روشن ساختند. این مواضع در پاره‌ای از اصلی‌ترین خطوط خود با برنامه پیشنهادی حزب ما برای جبهه متحد خلق نزدیکی آشکاری دارد. به نظر ما وجود وجوه مشترک زیر می‌تواند زمینه بسیار مساعدی را برای همکاری مشترک میان حزب توده ایران و حزب جمهوری اسلامی در یک جبهه مشترک به منظور تنظیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه فراهم آورد.

بقیه در صفحه ۶

## بهای کالاها: فشار سنج اقتصاد کشور

در روزهای اخیر گرانی شدید و فراینده کالاهای مصرفی، از نظر تأثیر شومی که بر زندگی توده مردم دارد، توجه عموم را جلب کرد. آیت‌الله خمینی نظری ابراز کرد و به دنبال آن مطبوعات و رادیو مطالبی گفتند و نوشتند. اما در این میان این موضوع بسیار مهم تا حدود زیادی در پرده ماند که رابطه گرانی با اقتصاد عمومی کشور چگونه است و باسیاستی که دولت موقت در عرصه اقتصاد پیش گرفته آید آن چیست.

چنان‌که می‌دانیم گرانی علت نیست، معلول است؛ بیانی است از ارزش پول و معیاری است برای سنجش تورم. بهای کالاها در اقتصاد سرمایه‌داری فشار سنج اقتصادی است و اگر بهای کالاهای مصرفی در کشور ما - با وجود بیکاری سه میلیون نفر از ده میلیون نیروی فعال و کاهش عظیم قدرت خرید مردم - با چنین سرعتی بالا می‌رود باید توجه داشت که خطری جدی در کمین اقتصاد ملی است.

در نخستین نگاه آشفتنگی اقتصادی موجود تا حدودی قابل درک است. رژیم ضد ملی ساقط اقتصاد ورشکسته‌ای به‌ارت گذاشت که ارکان آن ناسالم بود. این اقتصاد که از ریشه بیمار بود سال‌گذشته در معرض شدیدترین فشارها قرار گرفت و فرو ریخت. بازرگانی خارجی که تابع درآمد نفت بود عملاً تعطیل شد و مؤسسات بزرگ اقتصادی که از هر نظر و حتی از نظر مواد اولیه به‌انحصارات امپریالیستی وابستگی داشت از کار افتاد و صاحبان آن‌ها از کشور گریختند و بخش بزرگی از سرمایه خود را به‌همراه بردند و پشت سر خود اقتصاد ویرانی به‌جا گذاشتند که گرانی یکی از عوارض طبیعی آنست.

تا اینجا - و چنان‌که گفتیم در نخستین نگاه - مسئله کاملاً قابل درک

بقیه در صفحه ۷

# اول ماه مه راه‌رچه کامل نژت‌دارک کنیم

## اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

### حزب توده ایران قانونی است

سخنگوی دولت آقای امیرانظام طی ۳. کمیته مرکزی حزب توده ایران مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشته است که بی‌نیاهت متاسف است که در زمانی که باید قوانین مربوط به غیرقانونی بودن حزب پایه‌های دموکراسی را در کشور تحکیم کرد توده ایران تا وقتی لغو نشده به‌قوت و به اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی کمک خود باقی است. نمود، سخنگوی دولت با اظهارات نادرست دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده خود می‌کوشد دشواری‌های غیر ضروری در ایران بدین وسیله به اطلاع عموم می‌رساند کار جنبش به‌وجود آورد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران امیدوار است:

۱. هیچ‌گونه قانونی اختصاصاً دایر به است دولت موقت آقای مهندس بازرگان غیرقانونی بودن حزب توده ایران موجود توجه کند که اگر قوانین رژیم سابق نیست و حزب توده ایران بیش از ۳۵ سال به‌اصطلاح تا وقتی لغو نشده به‌قوت خود برخلاف قانون «غیرقانونی» تلقی شده باقی می‌بود، می‌بایست طومار انقلاب ایران را به‌طور کامل برچید. این قوانین برای
۲. قانون خرداد ۱۳۱۵ درباره فعالیت همیشه لغو شده است و دولت موقت اسلامی‌های اشتراکی نیز که دادگاه‌های نظامی نیز موجودیت خود را مدیون انقلاب است رژیم شاه در برخی موارد علیه حزب توده و نه محترم شمردن قوانین رژیم ساقط و ایران به آن استناد می‌جستند در سال‌های ضلمی شاه.
۳. اخیر به‌اصطلاح تکمیل شده و شامل تمام کسانی شد که خواستار جمهوری باشند. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

# ایران در هفته‌ای که گذشت

## کشف شبکه ترور تهران یک هشدار است

کشف شبکه ترور پاسداران به سرکردگی یکی از جنایت‌کارترین مأموران شکنجه ساواک یعنی «تهرانی» را باید هشدار دیگری تلقی کرد به آن‌هایی که هنوز برای درهم پیچیدن طومار ساواک این دست و تانگ می‌کنند و احيانا اندیشه بازسازی این مخوف‌ترین تشکیلات رژیم گذشته را در سر می‌پرورانند.

به عقیده ما این یکی از دهها گروه ترور و ارباب و ایجاد ترقه‌های است که ساواک و بازماندگان سرپرست‌شان رژیم گذشته برای مقاومت در برابر انقلاب ایران تشکیل داده‌اند و هرگاه که کار دستگیری و بازداشت این سرپرست‌ها و جنایت‌کاران به‌ر دلیل و بهانه‌ای به‌توقیف می‌افتد و یا کار دادگاه‌های انقلاب برای رسیدگی به جنایت‌های آن‌ها متوقف می‌شود یا چسبندگی بیشتر دست به‌عملیات ضد انقلابی می‌زنند و بدست آوردهای انقلاب هجوم می‌آورند. به نظر ما برای جلوگیری از هرگونه وقوفه‌ای در کار دستگیری این عوامل می‌بایست هرچه سریع‌تر همزمان با ادامه جست و جو برای دستگیری این جنایت‌کاران کیمته‌ها از عناصر وابسته به رژیم گذشته و از جمله مأموران ساواک که به‌داخل آن نفوذ پیدا کرده‌اند و در کار تقییب و شناسایی همین عناصر هم اخلال می‌کنند تصفیه شود و مسئولان نام و مشخصات دقیق همراه با عکس‌ها و نام‌های مستعار جنایت‌کاران ساواک و دیگر عمال و سرپرست‌ها وابسته به رژیم گذشته را به‌طور وسیع در اختیار مردم بگذارد و در روزنامه‌ها چاپ کند تا با یاری همه مردم این عوامل در اسرع وقت دستگیر شوند. در غیر این صورت است که حتی دستگیرشدگان موجود هم همانطور که در دادگاه سرلشکر نشاط مطرح شد بیکار نخواهند نشست و به‌کف همین عوامل در خارج زندان دست به‌توطئه و ترور خواهند زد. تهیه نقشه هوایی و زمینی منطقه کردستان توسط سرلشکر نشاط و تلاش وی برای خارج کردن آن از زندان و رساندن آن به‌دست افرادی که بی‌شک در خارج زندان به‌تلاش‌های ضد انقلابی سرگرم‌اند از جمله همین توطئه‌هاست که با پی‌گیری شدیدتر برای دستگیری این جنایت‌کاران و ادامه کار دادگاه‌های انقلاب می‌توان آن‌ها را خنثی کرد.

## مردم خواهان ملی شدن بانک‌ها هستند

سخنگوی دولت در یکی از مصاحبه‌های مطبوعاتی این هفته‌اش یکبار دیگر به‌سئوال‌های مکرر خبرنگاران درباره سرنوشت سیستم بانکداری در ایران پاسخ داد و گفت ما سعی می‌کنیم بانک‌ها را فلاً سروسامان بدهیم و تقویت کنیم و در مرحله بعد آن‌ها را با اسلام تطبیق بدهیم. این پاسخی است که در دفعات قبل نیز در همین حدود درباره وضع آینده بانک‌ها داده شده است و بی‌شک اگر مردم به‌این نوع پاسخ‌ها قانع بودند خبرنگاران مجبور نبودند بازهم آن‌را مطرح کنند. این واقعیت نشان می‌دهد که مردم خواهان پایان سلطه بانک‌های وابسته امپریالیست بر اقتصاد کشور هستند و تنها چاره این کار ملی کردن بانک‌ها است و این همان چیزی است که ظاهراً دولت از کنار آن با سکوت عبور می‌کند و سئوال‌های مردم را در واقع بی‌جواب می‌گذارد. ولی در واقع از بانک‌ها که سرمایه همه آن‌ها آمیخته با سرمایه امپریالیستی است دفاع می‌کند.

## درد بر خلق ایران

حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی در پیام خود به‌مناسبت اول ماه مه همبستگی با جنبش‌های رهایی‌بخش ملی و همچنین همبستگی با ملل ایران - افغانستان - ویتنام - لاتوس - کامبوج - شیلی - نیکاراگوئه و ملل جنوب افریقا را اعلام داشت. در همین پیام به‌خلق قهرمان ایران به‌مناسبت پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و آزادی‌بخش درود آتشین فرستاده شده است. حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی همچنین اعلام داشت که برای تحکیم پایه‌های صلح همگانی و بالابردن بیش از پیش سطح رفاه مردم خواهد کوشید.

## انعکاس واقعی رویدادهای ایران

راديو مسكو در این هفته ضمن تفسیرهای گوناگون از انقلاب پیروزمندانه خلق ایران و تأیید حاکمیت خلق ایران بر سرنوشت خود و حفظ پایه‌های دوستی و مودت با دوستان واقعی خویش از قول وزیر اطلاعات و تبلیغات ایران اعلام داشت که ارگان‌های اطلاعاتی شوروی بر خلاف بسیاری از ارگان‌های اطلاعاتی غرب رویدادهای ایران را

# کمک به انقلاب فلسطین دفاع از انقلاب ایران است

سخنگوی دولت طی يك مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگاران داخلی و خارجی سیاست دولت را در رابطه با سازمان آزادی‌بخش فلسطین بیان کرد و از جمله گفت: «ما به فلسطینی‌ها احترام زیادی قائلیم و هر کمک معنوی در مجامع بین‌المللی که بتوانیم به‌آن‌ها خواهیم کرد اما به‌هیچ‌وجه دادن اسلحه به‌آن‌ها را تمهید نکرده‌ایم.» گروهی از خبرنگاران خارجی که نمایندگی محافل معینی را در سیاست خاورمیانه دارند، از برخورد سخنگوی دولت موقت به مسئله فلسطین به‌شوق آمدند و سئوال‌های فراوان تحریک‌آمیزی در باره مناسبات دولت با فلسطینی‌ها مطرح نمودند که متأسفانه سخنگوی دولت همه این‌س پرسش‌ها را به سکه نقد گرفت و چنان پاسخ‌هایی داد که به‌معنای تأیید نظر سئوال‌کنندگان بود. مجموع پرسش‌ها و پاسخ‌ها طوری شده بود که افکار عمومی مردم را علیه فلسطینی‌ها برانگیزاند و یا لاقلاً از احساسات گرم مردم نسبت به‌آنان بکاهد و سیاست دولت را درباره فلسطینی‌ها که عقب‌گرد جدی از سیاست انقلاب ایران در این زمینه است توجیه

اگر در نظر بگیریم که مصاحبه سخنگوی دولت درباره مسئله فلسطین در لحظه بسیار حساسی انجام گرفته متوجه خواهیم شد که همه مسئله عبارت از مطالبی نیست که در این کنفرانس مطبوعاتی طرح شد. چنان که می‌دانیم پس از انعقاد پیمان نظامی سه‌جانبه آمریکا - اسرائیل - مصر، در خاورمیانه عربی وضع سیاسی خاصی پدید آمد. موج مخالفت علیه امپریالیسم آمریکا و همدستان اسرائیلی - مصری آن اوج گرفت و متقابلاً توطئه‌گری امپریالیستی علیه مردم منطقه تشدید شد. مسئله مرکزی در اینجا حقوق مردم فلسطین با همان دشمنی در نبردند که در

غارت‌گرانه و تجاوزکارانه امپریالیسم جهانی و محافل صهیونیستی مربوط می‌شود. پیمان سه‌جانبه فوق حقوق مردم فلسطین را پایمال می‌کند زیرا به‌قدرت تحکیم مواضع امپریالیسم و صهیونیسم تدوین شده است و مخالفین این پیمان و نیروهای ضد امپریالیست منطقه از حقوق مردم فلسطین حمایت می‌کنند زیرا از این طریق است که ضربه جدی به نقشه‌های امپریالیستی در منطقه وارد می‌آید.

جنبش آزادی‌بخش فلسطین پس از عقد این پیمان مبارزات خود را علیه تجاوز اسرائیل تشدید کرده و در کشور عربی نیز نهضت ضد اسرائیلی و ضد امریکائی اوج گرفته است تا جایی که حتی محافل محافظه‌کار عرب مجبورند افکار عمومی را مراعات کنند.

در چنین محیطی موضع دولت ایران بسیار اهمیت دارد. ایران که در گذشته ژاندارم امپریالیسم بود پس از پیروزی انقلاب در جناح ضد امپریالیستی و درکنار جنبش فلسطین قرار گرفت. انقلاب ایران کفه ترازو را به‌طور آشکار به‌زبان امپریالیسم تغییر داد. ام‌صاحبه امپراتور نظام چنین برمی‌آید که دولت موقت از این وضع خرسند نیست و در لحظه حساس کنونی مایل است از سنگینی خود روی کفه فلسطین بکاهد و روشی اتخاذ کند که محافل آمریکا را نرنجانند. این روش به‌طور آشکار با خواست‌های مردم ایران و هدف‌های انقلاب ایران تناقض دارد. مردم ایران عمیقاً به‌جنبش فلسطین علاقه‌مندند و این علاقه به‌هیچ‌وجه یک عشق افلاطونی نیست بلکه حاصل‌درد عمیق مردم ایران از اشتراک منافع همه جنبش‌های ضد امپریالیستی منطقه است. مردم ایران احساس می‌کنند که مردم فلسطین با همان دشمنی در نبردند که در

## حق شوراها برای نظارت

اعتراض کارمندان وزارت کشور نسبت به‌بعضی انتصابات در این هفته یکی از اخبار مربوط به‌حرکت‌های بعد از انقلاب بود. کارمندان این وزارتخانه مانند بسیاری دیگر از وزارتخانه‌ها معتقدند باید محیط کارشان از عناصر ناپاب و همکار مستقیم رژیم گذشته پاک شود و در این راه می‌بایست از منتخبین کارمندان که اکنون در شورای وزارتخانه جمع شده‌اند یاری گرفته شود. کارمندان معترض همچنین به‌حق خواهان نظارت بر برخی انتخاب‌ها و انتصابات هستند و معتقدند کسانی که سال‌های سال در کنار یکدیگر کار کرده‌اند بهتر و دقیق‌تر می‌توانند راجع به‌سوابق و حاصلت‌های کارمندان صالح و ناصالح نظر بدهند. این یکی از دلایل وجود شوراهای وزارتخانه‌ها و دیگر مؤسسات است که در طول اعتصاب شوکمند سراسری ایران برای سرنگونی رژیم گذشته تشکیل شده است.

## پاکسازی را همزمان با افشاگری شروع کنیم

درحالی‌که فریاد پاکسازی از هر گوشه بلند است و کارگر و کارمند و دانشگاهی و فرهنگی و... خواهان پالایش کارخانه‌ها و مؤسسات خویش از عناصر وابسته مستقیم و غیر مستقیم به‌رژیم گذشته ایران هستند همچنان سکوت درباره خواست این فریادکنندگان که خواهان بر ملاشدن نام این افراد و شرح وابستگی‌های آن‌ها هستند ادامه دارد. به‌عنوان نمونه در هفته‌ای که آخرین روزهای آنرا پشت سر می‌گذاریم سندیکی نویسندگان و خبرنگاران و تعدادی از دانشگاه‌ها چنین خواستی را مطرح کردند و از دولت و دیگر مسئولان و رهبران انقلاب خواستند تا افشاگری را درباره عوامل وابسته به‌رژیم گذشته آغاز کنند تا تصفیه‌ها با دقت و اطلاعاتی کافی آغاز شود.

## جای زندانیان معروف رژیم در دادگاه‌ها خالی است

باز شدن در دادگاه‌های انقلابی به‌روی مردم و انعکاس آن‌ها در روزنامه‌ها و راديو و تلویزیون را باید به‌فال نیک گرفت و امید داشت که در آینده تمام حقایق که که عمال رژیم در جریان بازجویی‌های خود بر زبان آورده‌اند همراه با مدارکی که از آن‌ها به‌دست آمده به‌طور وسیع در اختیار مردم قرار گیرد.

این ابتدائی‌ترین خواست به‌حق مردمی است که انقلاب کرده‌اند و حالا می‌خواهند به‌دقت بدانند تمام حقایق مربوط به‌رژیمی که سرنگون کرده‌اند چیست. آن‌ها که بی‌وقفه در تظاهرات میلیونی خویش علیه مداخلات آمریکا به‌عنوان صحنه‌گردان واقعی سال‌های سیاه گذشته فریاد کشیده‌اند حالا می‌خواهند بدانند امپریالیسم آمریکا چگونه و با چه سیستم و برنامه شخصی ایران را در مشت خود گرفته بود. در جریان محاکمه سید مرتضی رئیس ضد اطلاعات نیروی هوایی ایران گویه‌های بسیار کمی از این حقایق بر زبان آمد. حقایق مربوط به‌فعالیت‌ها و امکاناتی که سازمان «سیا» آمریکا در ایران داشت و شاه به‌عنوان مهره‌ای سرپرده آمریکا در فراهم کردن این امکانات از هیچ کوششی دریغ نکرده است، اما این کافی نیست. مردمی که بار سنگین هزاران شهید انقلاب را بردوش دارند حق دارند از تمام حقایق مربوط به‌این مسائل سردرآوردند در جریان این محاکمات از شهود معینی استفاده شد که بوی انحصارطلبی می‌داد و این جایز نیست. هزاران زندانی سیاسی سال‌های گذشته که می‌توانستند و می‌توانند، هولناک‌ترین حقایق را در باره جنایت‌گرانی که به‌محاکمه کشیده شده‌اند بر زبان بیاورند به‌دادگاه راه نیافتند درحالی‌که می‌شد از آن‌ها حتی به‌طور مستمر در دادگاه‌ها استفاده کرد تا درباره جنایت‌های عمال رژیم در شکنجه‌گاه‌ها و بیدادگاه‌ها و زندان‌های رژیم لب به‌سخن بکشایند و آثار شکنجه‌ای را که هنوز روی بدن دارند در معرض تماشای مردم بگذارند. به‌نظر ما می‌توان و می‌بایست این تقص دادگاه‌ها همزمان با ادامه مستمر دادگاه‌ها برطرف شود.

## اظهاریه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

### به‌مناسبت خبر دستگیری فرزندان آیت‌الله طالقانی

حضرت آیت‌الله مهدوی کنی، سرپرست کمیته‌های انقلاب اسلامی، در گفتگویی با خبرنگار کیهان اظهار داشت که دستگیری فرزندان آیت‌الله طالقانی از طرف کمیته‌ها نبوده و به‌وسیله افراد مسلح خاصی صورت گرفته است. به‌نظر ما تکرار همین وضع، که کسانی به‌نام کمیته‌های انقلاب دست به‌انواع کارهای ضد انقلابی می‌زنند و کمیته‌ها را بدنام می‌کنند، اتخاذ تصمیمات اساسی و قاطع را ضروری تر می‌کند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران بدین‌وسیله هم‌دردی عمیق خود را با حضرت آیت‌الله طالقانی و خانواده ایشان ابراز می‌دارد و امیدوار است که به‌همه اقدامات خرابکارانه و تفرقه‌جویانه محافل ناصالح به‌سرعت پایان داده شود و مجاهد بزرگ حضرت آیت‌الله طالقانی، که مورد احترام عمیق همه مردم مبارز ایران‌اند، فعالیت پرثمر خود را برای تحکیم وحدت صفوف انقلابیان ایران و در جهت قاطع ضد امپریالیسم امام خمینی بیش از پیش گسترش دهند.

جمعه شب، از جانب «سازمان مجاهدین خلق ایران» بیانه‌ای منتشر شد که دربار خبر دستگیری دو فرزند آیت‌الله طالقانی «توسط عناصر مغرض و بی‌مسئولیت» به اطلاع عموم رسیده و نسبت به‌«عملکرد گروه‌های غیر مسئولی که دست به‌انواع ماجراجویی‌ها می‌زنند» اعلام خطر شده بود.

حزب توده ایران این هشدار سازمان مجاهدین خلق ایران، را جدی‌شمرد و معتقد است که دامنه عمل این عناصر غیر مسئول بیش از آن وسعت گرفته است که نیروهای صدیق انقلابی ایران بتوانند درباره آن سکوت کنند. جای آن‌است که از طرف رهبری انقلاب تصمیمات اساسی برای پایان بخشیدن به‌این خودسری‌ها گرفته شود.

یعنی امپریالیسم آمریکا - را باید کویید، چه در فلسطین و چه در خلیج فارس. موافق این اظهار سخنگوی دولت که ایران فقط از نظر معنوی آن‌هم در مجامع بین‌المللی از جنبش فلسطین حمایت می‌کند با منافع انقلاب ایران، با خواست‌های مردم ایران و اظهارات امام خمینی در تضاد است. ما با کمک همه‌جانبه به انقلاب فلسطین می‌توانیم از انقلاب ایران دفاع کنیم. کسانی که به‌انقلاب ایران و تحکیم مواضع آن علاقه‌مند باشند ممکن نیست این حقیقت را درک نکرده و از انقلاب فلسطین به‌طور جدی - چه‌مادی و چه معنوی، چه نظامی و چه سیاسی -

## نامه‌های وارده

آقای علی‌رضا فرهادی رئیس هیئت‌مدیره شرکت تعاونی مصرف کارگران، وابسته به شرکت واحد اتوبوسرانی عمومی تهران و حومه، و آقای کریم صیام بازرسی شرکت طی نامه‌ای خطاب به دادستان کل دادگاه‌های انقلاب جمهوری اسلامی ایران علیه افراد زیرین، به‌جرم زدنی اعلام جرم کرده‌اند:

سیدعلی لاجوردی دادستان دیوان کیفر، ناصر اخوان ملابری بازرسی دیوان کیفر، ناصر یگانه رئیس دیوان عالی کشور، رستگار دادستان دیوان عالی کشور، رسول دادگری معاون‌وزارت دادگستری، دادستان داسرای انتظامی قضات و دادیارمربوطه، سرلشکر ارم دبیر هیئت‌عالی نخست‌وزیری، تیمسار رشید نادرخانی رئیس انجمن شهر تهران، همه اعضای انجمن شهر تهران، تیمسار هوشیاری بازرسی شاه سابق در شرکت واحد.

به‌این اعلام جرم مدارک مربوط به زدنی‌های افراد فوق ضمیمه شده است.

\*\*\*

جمعی از کارگران و فرزندگان جزء لوازم یدکی اتوبوس ناحیه خیابان امیرکبیر و ملت طی نامه‌ای که به‌وزارت دادگستری فرستاده و رونوشت آن را به مطبوعات داده‌اند، از شرکت بیمه‌امریکائی «داساک» شکایت و درخواست رسیدگی کرده‌اند. امضاکنندگان در شکایت نامه خود اظهار می‌دارند که این شرکت مبلغ کلانی به‌نام «بیمه‌عمر» از آنان گرفته ولی به‌قراردادهای خود عمل نکرده و حاضر به‌امضای قراردادهای بازپرداخت وجوه دریافتی نشده است.

\*\*\*

کشاورزان مناطق کردنشین ارومیه و سلماس در نامه‌ای خطاب به نخست‌وزیر، مهندس مهدی بازرگان نوشته‌اند، شکایت می‌کنند که مالکین و اربابان سابق به‌دهات حمله می‌کنند و به‌نام این که «قانون اصلاحات ارضی با شاه رفت!» زارعان را از دهات بیرون کرده و خانه‌هایشان را خراب می‌کنند و زمین‌هایشان را که‌محصول کاشته شده شخم می‌زنند و بیشه‌زارها و باغات را قطع می‌کنند و با زور اسلحه روستاها بیرون می‌کنند. سیل‌خانواده‌های زارع به‌سوی شهرهای ارومیه و سلماس و قصبات اطراف سرازیر شده است. کشاورزان اطراف ارومیه و سلماس در نامه خود سبب می‌نویسند:

«اگر ما زارعان منتظر بمانیم که دولت انقلابی تمام کارها را درست کند و بعداً بدهاد ما برسد یقیناً تا آن وقت نه زمینی برایمان مانده و نه خانه‌ای و نه حشمی.»

\*\*\*

اکرم دسترنجی، زن زحمتکشی که صاحب پنج فرزند است طی نامه‌ای خطاب به امام خمینی شکایت می‌کند که اسدالله محمد خانلو عشایری، عضو فعال ساواک و وکیل مجلس منحل‌شده شورا، با دست خود پدر او نبی دسترنجی و عموی او جعفرقلی دسترنجی را کشته است. اکرم دسترنجی در نامه خود می‌نویسد: «نبی و جعفرقلی هر دو از رعیت‌های این خان مستکار بودند. چند سال قبل او در قریه مرز رود از توابع کلبر استان تبریز هر دو را با تفنگ کشت. در جریان قتل ده‌ها نفر از خوانین حضور داشتند. این جلا‌داجازه نمی‌داد جسد پدر و عموی مرا سه روز از محل بردارند.»

اکرم دسترنجی می‌نویسد که برادرشکایت او یک‌بار محمد خانلو دسترنجی و سپس آزاد شد ایک باز هم مجاهدین خلق او را دستگیر کرده‌اند. بانو دسترنجی تقاضا می‌کند که محمد خانلو محاکمه و مجازات شود. او می‌نویسد: «دست من به دامان آن امام که نگذار خون پدرم و عمویم که رعیت بودند و بدست این جلا‌د ریخته شد به‌هدر رود.»

# کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان!

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی‌سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به تأکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به‌خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله به‌قدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به‌حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است. فداکاری‌های اعضا و هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرور انگیز است. اکنون نیز ما اطمینان داریم که اعضا، هواداران، دوستان و همه‌کسانی که به‌پیروزی نهائی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقه‌مندند، به‌حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.

کمک مالی را می‌توان ازهم‌اکنون مستقیماً به‌دفعتر حزب داد و یا با تلفن آمدگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. به‌زودی نیز شماره حساب بانکی برای پرداخت کمک‌اعلان خواهد شد.

خوشحالیم که صحت این همدار به جنبش انقلابی؛ از سوی خود کمیته‌های انقلاب به رسمیت شناخته شد. امیدواریم که این تجربه به دست آمد نتیجه و محصول بارآوری داشته باشد و کمیته‌های انقلاب ازین عناصر خطرناک تصفیه شود تا بتوانند وظیفه بزرگ انقلابی خود را که کام‌های بسیار چشمگیری هم تابه‌حال در راهی برداشته‌اند، به‌نحو احسن ادامه دهند. این یکی از مواردی بود که ما می‌خواستیم نظرم‌ان را درباره آن صریحاً بگوئیم. دیروز، در این مورد از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران بیانیه کوتاهی صادر کردیم که متأسفانه در جراید درج نشد. امیدواریم امروز درج شود.

مورد دوم که در حال حاضر خیلی اهمیت دارد و تبدیل به‌مسأله روز شده است، مسأله بیکاری است. مسأله بیکاران در ایران است. این مسأله مستقیماً به میلیون‌ها زحمتکش مربوط می‌شود. این مسأله بخصوص از آن جهت جالب توجه است که انقلاب ایران، بهره‌بری آیت‌الله خمینی، زیر پرچم «انقلاب برای مستضعفین» انقلاب زحمتکشان بوده است. نیروی انسانی این انقلاب خلق زحمتکش ایران است. میلیون‌ها زحمتکش، در خیابان‌ها با دادن خون خود توانستند پیروزی انقلاب را تأمین کنند. خوب، اکنون این‌ها از انقلاب انتظار زندگانی بهتری دارند. امروز در ایران از ۳ تا ۴ میلیون بیکار صحبت می‌شود که گرسنه‌اند و خود و خانواده‌شان به‌نمان شب محتاجند. این‌مسأله فوق‌العاده حادی است که اگر از طرف دولت اقدامات قاطعی برای حل آن صورت نگیرد، ممکن است عواقب بسیار خطرناکی برای جامعه ما داشته باشد. متأسفانه باید گفت اگر چه آقای بازرگان، نخست‌وزیر دیشب در رادیو و تلویزیون وعده‌های خیلی خوشبینانه‌ای درباره حل مسأله بیکاری دادند؛ اما، این مسأله ساده و آسانی نیست؛ به‌اقدامات بسیار جدی و بنیادی نیاز دارد. اقدامات ریشه‌ای لازم دارد. برای حل مسأله بیکاری در این شرایط حساس، حزب ما آماده است که به‌طور کامل سازمان‌دهی و هدایت خود را برای مبارزه درین مورد با دولت تبادل نظر کنیم و پیشنهاد خود را برای مبارزه صریح با بیکاری عرضه داریم. ما این امر را به‌نخست‌وزیر اطلاع خواهیم داد و امیدواریم که در هیأت دولت، گوش شنوایی برای شنیدن پیشنهاد ما وجود داشته باشد.

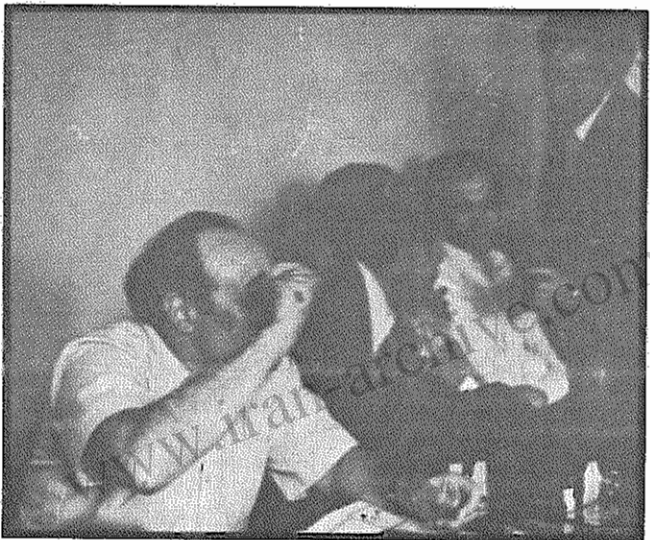
این‌ها، آن دو مسأله حادی بود که می‌خواستیم قبل از هر چیز نظر حزب را درباره آن‌ها توضیح دهیم. حالا، به‌مطالب دیگر بپردازیم. خوب، شما می‌توانید حدس بزنید که چقدر خوشحالیم که بعد از ۳۵ سال می‌توانیم دوباره - همین‌طور که می‌بینید - در جامعه خردمان، در ایران، آزادانه بحث کنیم. احساسات ما، از این که ۳۵ سال تمام گشت؛ ولی ما هیچوقت امیدمان را از دست ندادیم که باز بتوانیم در ایران به‌مبارزه‌ی خودمان ادامه‌دهیم، قابل وصف نیست. درست ۳۵ سال و یک ماه، یا دوماه پیش بود که یک شب ما را از خانه‌هامان بیرون‌کنیدند و بزدندان بردند. بعدهم محکومیت و بعدهم فرار از زندان. سپس مهاجرت پیش آمد و بعدهم دوران طولانی جدایی. اما هیچوقت امیدمان را از دست ندادیم. امروز روزی رسیده‌است که بتوانیم با شادی تمام، در مقابل شما، نظرات خودمان را بیان داریم و فعالانه در ساختن ایرانی نو شرکت کنیم؛ ایرانی آزاد، ایرانی مستقل از تسلط امپریالیسم - از تسلط دشمنان بشریت - ایرانی که بتواند نقش مهم و سازنده خود را در خانواده‌ی کشورهای بی‌طرف ایفا کند؛ ایرانی که بتواند برای ملت ۳۴ میلیونی خود - که به‌زودی ۴۵ میلیون خواهد شد - با به‌کار گرفتن امکانات وسیع اقتصادی، ثروت بی‌شماری را در اختیار مردم ایران بگذارد؛ ایرانی که مردمی بسیار خلاق، باهوش، مبتکر، کاری و زحمتکش دارد. کمک و شرکت فعالانه در ساختن چنین ایرانی مایه خوشحالی بسیار ما است. خوب؛ بسیار شادیم که انقلاب ایران به‌پیروزی رسید. اینجا هم، مثل همه مصاحبه‌های قبلی خود، باید نظر حزب توده ایران را به‌صراحت بگویم: ما تمام خلق ایران را در این انقلاب شریک می‌دانیم. انقلاب ایران، از نظر ما یکی از بزرگ‌ترین انقلاب‌های جهان است. کم‌تر انقلابی را می‌شناسیم که تمام خلق - به‌استثنای اقلیتی بسیار کوچک از غارت‌گران و جانیان و آدم‌کشان - با چنین وسعتی، در آن فعالانه شرکت کرده باشند و با این قدرت، با این میزان مقاومت و با این همه جانبازی، توانسته باشند یکی از مخوف‌ترین دستگاه‌های استبدادی تاریخ جهان را، علی‌رغم تمام پشتیبانی‌های امپریالیسم، در مدت یک‌سال از پای درآورند. به‌همین‌خاطر هم، انقلاب ایران در تمام جهان تمام بیاریب‌ها را شامخی اجزاز کرده است؛ به‌حق هم اجزاز کرده است. در این پیروزی، همان‌طور که گفتیم، همه نیروهای ملی و دمکراتیک، نیروهای آزادی‌خواه و وطن‌پرست میهن ما شریک بودند. ما به‌شرکت آنان با احترام نگاه می‌کنیم. در اینجا باید حتماً ازین نکته یاد بکنیم که نقش شخصیت برجسته‌ای مانند آیت‌الله خمینی، در انقلاب، بسیار قابل ستایش است. ما در همه نشریاتمان، در تمام روزنامه‌ها و اطلاعیه‌هایی که منتشر کرده‌ایم، این خصوصیت انقلاب ایران، یعنی نقش فوق‌العاده و اهمیت آیت‌الله خمینی را گوشزد کرده‌ایم. می‌توان گفت نقش آیت‌الله خمینی، در لحظه‌های بسیار حساس، برای دادن جهت صحیح به‌انقلاب، نقشی تعیین‌کننده است. این موضوع را باید حتماً در خاطر ضبط کنیم. به‌نظر ما، آیت‌الله خمینی، نقشی فوق‌العاده ایفا کرده‌اند و نام ایشان در تاریخ انقلاب‌های جهان حتماً ثبت خواهد شد و جای بزرگ و درخشان خواهد داشت.

به‌همین جهت، ما در تمام بیانیه‌ها و اظهاریه‌های حزب از خطوط بسیار مثبت سمت‌گیری انقلابی آیت‌الله خمینی کاملاً پشتیبانی کرده‌ایم. همیشه با صراحت گفته‌ایم که برای ریشه‌کن کردن استعمار و در درجه اول استعمار امپریالیسم آمریکا، برای ریشه‌کن کردن بساط رژیم استبدادی شاه و ریشه‌کن کردن عمیق و همه‌جانبه دستگاه استبدادی؛ برای آزادی و برای بهبود زندگی مردم زحمتکش، یعنی - همان‌طور که شخص آیت‌الله خمینی اشاره می‌کنند - زندگی مستضعفین جامعه، و در یک کلام، در جهت نیل به این چهار هدف اساسی انقلاب ایران، ما پشتیبان کامل ایشان هستیم و معتقدیم که تمام نیروهای انقلابی ایران باید در همین جهت به‌کارگرفته شود. حزب توده ایران به‌خاطر تعمیق انقلاب ایران در این چهار سمت‌گیری و برای پارورتن شدن روزافزون انقلاب ایران، آماده است که با همه رهبران مذهبی و سیاسی ایران، وارد مذاکره شود و در راه همکاری برای ایجاد جهتهای عمومی‌تر و وسیع‌تر که بتواند همه نیروهای خلاق جامعه ایران را در جهت مورد نظر بسیج کند، نهایت کوشش را بعمل آورد. ما برای هرگونه برخورد، در هر سطح و هر جا و در هر لحظه آماده‌ایم. ما این امر را به‌اطلاع همه خواهیم رساند. نکته دیگری که می‌خواستیم بیان کنیم، اشاره به‌مبارزات سی و هفت ساله حزب ما است. الآن که ۳۷ سال و چند ماه - ۶ یا ۷ ماه - از بنیان‌گذاری حزب توده ایران می‌گذرد، حزب ما، تنها حزبی است که توانسته است چنین دوره‌ای طولانی را در ایران پشت سر بگذارد. و پابرجا بماند. دوره‌ای که فوق‌العاده پرتلاطم بوده و بارهای متوالی فراز و نشیب داشته است. علت این امر یکی پیوند عمیق حزب ما با مردم ایران و همچنین خصوصیت این پیوند با توده‌های زحمتکش که بنیاد اساسی جامعه ایران‌اند می‌باشد و یکی هم میهن‌پرستی بی‌چون و چرای حزب ما است. به‌همین دلیل، حزب از همان بدو تأسیس، هدف شدیدترین کینه تمام قشرهایی قرار گرفت که در این دو زمینه مخالف ما بودند؛ یا درست‌تر بگویم، با توده‌های مردم مخالف بودند. یعنی همان طبقات حاکمه‌ای که با میهن‌ها، با استقلال ما و آزادی ما مخالف می‌ورزیدند. یعنی تمام مزدوران استعمار و اربابان امپریالیستی‌شان. هیچ‌سازمان سیاسی دیگری تا این حد هدف کینه امپریالیست‌ها - امپریالیسم انگلیس، امپریالیسم آمریکا و همه امپریالیست‌های دیگر قرار نگرفته است. حزب ما، همین امروز هم هدف کینه آن‌ها است. هیچ‌سازمان سیاسی دیگری نیست که در طی این مدت به‌اندازه حزب ما مورد هجوم ارتجاع قرار گرفته‌باشد. البته، در دوران اخیر که گروه‌های دیگر و مبارزان دیگری با

به‌میدان مبارزه قاطع علیه امپریالیسم و ارتجاع گذاشته‌اند آن‌ها هم مثل ما مورد تعقیب و شکنجه قرار گرفته‌اند. اما هیچ‌کدام از آن‌ها سازمان‌ها و گروه‌ها این نبرد سی و هفت ساله را طی نکرده‌اند. در این سی و هفت سال، مبارزات ما فراز و نشیب زیاد داشته است. ما فقط چندسالی توانستیم آزادانه مبارزه کنیم. تازه، آن زمان هم چندان آزاد نبودیم. یعنی، حزب فقط دو یا سه سال واقعاً آزاد بود؛ آن هم نه در سراسر ایران؛ در آن قسمت‌های ایران که ارتش انگلستان یا آمریکا حکومت می‌کردند، با محدودیت‌های فوق‌العاده‌ای روبرو بودیم. تقریباً، بعد از سرکوب شدن قیام آذربایجان هم، حزب فقط در تهران امکان فعالیت آزاد داشت؛ اما، در شهرستان‌ها از آن امکان اثری نبود. تمام گروه‌های ما مورد هجوم عوامل استعمار و ارتجاع قرار گرفت و از بین رفت. بعد هم که دوران سی ساله فعالیت مخفی حزب آغاز شد. اما، در تمام این مدت، حزب به‌اصول خود وفادار ماند و با وجود ضربات سختی که خورد؛ مبارزاتش را ادامه داد. من، حالا که اینجا نشسته‌ام، نگاه می‌کنم، نمی‌دانم چندسال زندان باید به‌حساب حزب گذاشته شود. به‌چشم من، از ۱۵۰ سال و ۲۰۰ سال هم تجاوز می‌کند.

این بود مختصری از آنچه که ما کرده‌ایم. اکنون، حزب ما، زندگی عینی خویش را، فعالیت سازماندهی را از سر می‌گیرد. ما حاضریم با تمام توان خود، با همه نیروهای انقلابی در ایران براساس برنامه‌ای که پیشنهاد کرده‌ایم، همکاری کنیم. این برنامه، پیشنهاد پلنوم شازدهم کمیته مرکزی حزب ما است که تمام مسائل مبرم جامعه ایران را در بر می‌گیرد؛ از جمله: نظام سیاسی، حقوق و آزادی سیاسی، فردی و اجتماعی، سیاست خارجی، دفاع و حفظ امنیت کشور، اقتصاد، بهبود زندگی کارگران، روستائیان و زحمتکشان؛ وضع زنان جامعه ایران، وضع جوانان و همه مسائل دیگری که جامعه ما در حال حاضر با آن‌ها روبرو است؛ تبدیل فرهنگ استعمارزده کنونی به‌فرهنگ ملی، حقوق زندانیان سیاسی و غیره. تمام مسائل نامبرده را که در یک برنامه تفصیلی بااطلاع همگان رسانده‌ایم در شماره ۲ «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، آورده‌ایم؛ اما این موضوع تاکنون در روزنامه‌های کثیرالانتشار متأسفانه انعکاس نداشته است. ما انتظار داریم که این برنامه مورد بحث قرار بگیرد و برنامه‌های متقابلی از طرف سایر سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی عرضه‌شود تا ببینیم کدام برنامه واقعاً پاسخگوی خواسته‌های کنونی جامعه ایران است.

مصاحبه مطبوعاتی رفیق نورالدین کیانوری



به‌طور مختصر، نکات اساسی برنامه‌ای را که منتشر کرده‌ایم و هم‌اکنون در مد نظر ما هست خواهیم گفت. درباره نظام سیاسی، حزب توده ایران بلافاصله حمایت خود را از ابتکار آیت‌الله خمینی، درباره اعلام جمهوری اسلامی، به‌عنوان جانشین نظام شاهنشاهی پوسیده ۲۵۰۰ ساله ۱۳۰۰ ساله پایبند است. ما این ابتکار را تائید کردیم و در زمینه‌های حقوقی آن به‌آنچه آیت‌الله خمینی در تمام صحبت‌هایشان درباره جمهوری اسلامی گفته‌اند معتقدیم. یعنی، تأمین استقلال واقعی ایران، ریشه‌کن کردن مظاهر اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم از ایران، تأمین آزادی‌های دمکراتیک برای همه مردم ایران، تأمین زندگی بهتر برای همه زحمت‌کشان، مبارزه با استعمار و استعمار. چنین نظامی، قویاً می‌گویم، محتوای اجتماعی و اقتصادی بسیار با اهمیت دارد که ما صددرصد تأییدش می‌کنیم و حاضریم در ساختن چنین نظامی که براساس اصول دمکراتیک، و حصول کامل حقوق اجتماعی همه افراد جامعه مبتنی باشد؛ همکاری کنیم. البته آنچه ما از محتوای نظام جمهوری اسلامی دمکراتیک درک می‌کنیم، برمیآید گفته آیت‌الله خمینی است که، می‌گویند: دمکراسی در بطن جمهوری اسلامی است. به‌همین جهت هم، ما به‌این جمهوری رای دادیم. یعنی برای ما، از جمهوری اسلامی و پیشنهادی آیت‌الله خمینی، جز یک نظام جمهوری که تمام آزادی‌های مندرجه در اعلامیه حقوق بشر را در نظر داشته باشد و تأمین کند، چیز دیگری متصور نیست. ما، آماده همه‌گونه همکاری در زمینه ساختن چنین جمهوری‌ای هستیم. آزادی و تساوی زن و مرد، تساوی حقوق تمام‌افراد، حتی ارتشیان، برای شرکت در حیات سیاسی و اجتماعی کشور تأمین حقوق ملی همه ملت‌هایی که در سرزمین ایران زندگی می‌کنند و همه اقلیت‌های ملی، برپایه به‌رسمیت شناختن حق خودمختاری فرهنگی و اداری این ملت‌ها، همچنان که آیت‌الله طالقانی به‌صراحت در مورد کردستان وعده داده‌اند؛ در این جمهوری باید تأمین شود. ما خواستار تأمین همه این آزادی‌ها هستیم و با توجه به‌این امر، طرف‌دار جدی نظامی‌هستیم که در دست ساختمان است.

در زمینه سیاست خارجی، ما می‌خواهیم که کلیه قراردادهای امپریالیستی تحمیل شده به‌ایران هرچه زودتر لغو شود. از تأمین ارضی ایران و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی کشور جداً پشتیبانی می‌کنیم. با هرگونه تمایل تجزیه‌طلبی شدیداً مبارزه می‌کنیم. ما، برای ایران و حفظ سرحادات امروزش زندگی و مبارزه خواهیم کرد. هرگونه جدایی از ایران، در نظر ما محکوم است. ما، بخصوص، برای لغو قراردادهای نظامی با آمریکا بافشاری خواهیم کرد؛ چون، امپریالیسم آمریکا، همان‌طور که آیت‌الله خمینی، بارها اظهار داشته‌اند، دشمن شماره یک ملت ما است. مضافاً که دشمن شماره یک همه بشریت است. ما، خواستار لغو هرچه سریع‌تر همه قراردادهای هستیم که امپریالیسم آمریکا به‌دستیاری رژیم مغلوب شاه توانست به‌ایران تحمیل کند. باید نگرانی و تأسف عمیق خود را از این که سیستم اقتصادی ایران باید به‌کلی تغییر پیدا کند به‌صورت اقتصاد ملی درآید و این با امر و با سلام و علیک، با هورا کشیدن که آی تمام شد، درست شد انجام نمی‌گیرد. ما برای تبدیل اقتصاد استعمارزده و وابسته ایران به‌اقتصاد ملی و به‌اقتصادی که منافع خلق زحمتکش ایران را تأمین کند، برای تبدیل به‌اقتصادی که منافع مستضعفین باشد باید تغییرات بنیادی در اقتصاد ایران انجام دهیم البته ما می‌دانیم که دولت برای تجدید سازمان اقتصاد ایران مشکلاتی دارد. ما کاملاً به‌این مسئله وقوف داریم که نباید دولت را شلاق زد نه اقا چرا فوراً فلان کار را نکردی یا کردی ولی سمت‌گیری صحیح را نمی‌توانیم از دولت نخواهیم یعنی دولت باید به‌طور صریح سمت‌گیری صحیح خودش را برای

تغییر بنیادی اقتصاد وابسته به‌امپریالیسم ایران به‌صورت یک اقتصاد ملی و خلقی و توده‌ای و مردمی اعلام دارد. سمت‌گیری‌اش را مشخص بکند و آنوقت با امکانات واقعی که در جامعه ما هست مشکلات هم هست و ما نمی‌توانیم ندیده بگیریمش به‌طرف این سمت مشخص حرکت کند. آن وقت است که می‌تواند مورد پشتیبانی و فداکاری همه مردم قرار بگیرد. ولی اگر این سمت‌گیری نباشد در آن صورت فداکاری از مردم خواستن مشکل است زیرا می‌بینید که این سمت‌گیری برای دفاع از منافع آن‌ها نیست و البته نمی‌توان از آن‌ها انتظار فداکاری داشت سرمایه‌داران وابسته به‌امپریالیسم همان‌طور که آقای بازرگان در نطق دیشبان اشاره کردند، سرمایه‌داران بزرگی هستند که میلیون‌ها از ثروت این کشور را برداشتند و بردند، کارخانجات را با دمه‌ها کارگر گرسنه و بدون مواد خام باقی گذاشتند این کارخانجات باید ملی گردد. ملی کردن این مؤسسات در جهت منافع توده است. کارخانجات بزرگ و مؤسسات بزرگ تولیدی که سرمایه مختلط با امپریالیسم دارند و قسمت اعظم سرمایه‌شان متعلق به خاندان شاه سابق و دیگران بوده باید ملی شود. وابستگی که ده‌ها و صدها میلیون از ثروت کشور را به‌عنوان اعتبار از دولت وام بلاعوض گرفتند باید کلیه ثروت‌های غارت شده به‌دولت پس داده شود و دولت در اداره این مؤسسات از کارگران و کارمندان باید کمک بگیرد. در نتیجه تعطیل این مؤسسات صدها هزار کارگر بیکار شدند که خود موجب بیکاری صدها هزار نفر دیگر وابسته به‌این کارگران بیکار و گرسنه شد، این کارها فوری است این سمت‌گیری درست است. بانک‌های بزرگی هست که قسمت اعظم آن‌ها به‌بانک‌های امپریالیستی وابسته هستند قسمت‌اعظم سود آن‌ها به جیب بانک‌های بزرگ آمریکا و انگلستان و آلمان غربی و غیره می‌ریزد. این بانک‌ها باید ملی شود سابق در ایران تنها بانک بانک ملی بود ولی طی ۲۵ ساله اخیر بانک‌های سرمایه‌داری مانند بانک صادرات، بانک هژبر یزدانی و غیره مثل قارچ رویدند می‌بینیم که این‌ها چه جنایاتی در حق اقتصاد ایران کردند، و چه‌جور اقتصاد ایران را در هم ریختند همه این بانک‌ها باید ملی بشوند این است آن جهت‌گیری اصلی که باید در جهت تغییر بنیادی اقتصادی وابسته به‌اقتصاد ملی و اقتصاد مدافع منافع خلق‌های زحمتکش ایران انجام پذیرد. ما به‌طور صریح گفتیم که ریشه‌کن ساختن تسلط امپریالیسم از کلیه شئون اقتصادی کشور منوط به‌ملی کردن کلیه مؤسسات صنعتی و کشاورزی و مالی متعلق به انحصارهای دولت‌های امپریالیستی است. ملی کردن بانک‌ها و مؤسسات بیمه خصوصی و واحدهای بزرگ خصوصی صنعتی کشاورزی که در دست کارگران و سرمایه‌داران بزرگ وابسته به‌رژیم سرکون شده متشکر است و به‌طور عمده به‌سرمایه کشورهای امپریالیستی پیوسته است منظور نظرم‌است. ما در اینجا به‌طور صریح می‌گوئیم که کارخانجاتی که به سرمایه‌داران ملی، سرمایه‌دارانی که در جهت مبارزه ضد امپریالیستی مبارزه کردند و اقتصادشان و سرمایه‌شان وابسته به سرمایه‌های امپریالیستی نیست در این برنامه نمی‌گنجد آن‌ها می‌توانند به‌فعالیت اقتصادی خود ادامه دهند و حتی از کمک دولت برای این‌که بتوانند با امپریالیسم رقابت بکنند استفاده نمایند. ولی درست همین قسمت از سرمایه‌داری است که آقای بازرگان متأسفانه برای اولین‌بار در نطق اخیر خود اشاره کرده است. ما جدا خواستار حل این مسئله هستیم. تمام قراردادهای اقتصادی با امپریالیسم، از آن جمله قراردادهای نظامی، قراردادهای خرید اسلحه باید لغو شود. قسمت سوم بهبود زندگی کارگران و اقشار دیگر زحمت‌کشان است. آیت‌الله خمینی در بیانیه و اظهاریه‌ای که برای کارگران فرستاده بودند اشاره کردند به‌این که به‌دولت گوشزد کردیم و خیلی جدی گوشزد کردیم که دولت برای بهبود وضع کارگران کم‌کار می‌کند. این درست است که دولت مشکلات دارد، ما این مشکلات را درک می‌کنیم ولی نظر آیت‌الله خمینی را در این مورد تأیید می‌کنیم. اقداماتی که دولت در بهبود زندگی زحمت‌کشان صورت داده فوق‌العاده جزئی و هنوز قابل دیدن نیست، دولت هنوز قادر نیست که اعلام بکند که مثلاً در ۶ ماه آینده چه‌نقشه‌هایی دارد و چگونه می‌خواهد زندگی مردم را بهتر کند. ما می‌بینیم که به‌طور لجام‌گسیخته‌ای تورم بیداد می‌کند، گرانی به‌حدی رسیده است که حضرت آیت‌الله خمینی به‌ناچار سرمایه‌دارانی را که از این موقعیت سوء استفاده می‌کنند و شیره مردم را می‌مکن تهدید کرده‌اند. ما این گوشزد آیت‌الله خمینی را جداً تأیید می‌کنیم قسمتی از سرمایه‌داری ایران از این موقعیت سوء استفاده کرده و با گران‌تر کردن مایحتاج مردم شیره مردم را هرچه پیش‌تر می‌مکند دولت بایستی برنامه خود را برای جلوگیری از گرانی ارائه نماید و این‌که چگونه می‌خواهد زندگی مردم را بهبود بخشد، در غیر این صورت انقلاب به‌خطر خواهد افتاد، زیرا توده‌های میلیونی مردم با انتظاراتی در این انقلاب شرکت کردند و به‌آن‌ها اعلام شده که رژیم گذشته و امپریالیسم خون‌شمار را می‌مکیدند، غارت می‌کردند، میلیاردها ثروت‌های شمارا به‌بانک‌های خارجی منتقل می‌کردند، زندگی شما به‌این علت بد بود که رژیم طاغوتی، این رژیم سیاه‌شمار را غارت می‌کردند. مردم خون دادند، مبارزه کردند، فداکاری کردند، این رژیم را برانداختند با امپریالیسم مبارزه کردند منتظر هستند که محصول این مبارزه به‌صورت بهبود وضع زندگی زحمت‌کشان متظاهر بشود. آن‌ها سرمایه‌دار نیستند که بتوانند از اندوخته خود استفاده کنند زن و فرزندان‌شان گرسنه هستند در صورت ادامه چنین وضعی است که ارتجاع و امپریالیسم می‌تواند انقلاب را به‌خطر اندازد.

س - شما گفتید که مردم با مبارزه‌ای که کردند منتظر نامحصولش را ببینند، شما واقعاً معتقدید که این دولت می‌تواند خواسته‌های برحق کارگران و زحمت‌کشان را برآورده سازد؟ نظر حزب توده ایران در این باره چیست؟

ج - ما نمی‌خواهیم در اینجا وارد بحث ایدئولوژیک و طبقاتی بشویم ما کوشش خواهیم کرد که در مرحله کنونی دولت را راهنمائی کنیم، این دولت را پشتیبانی بکنیم، از کلیه اقداماتی که در جهت این برنامه (برنامه حزب) بشود از دولت بخواهیم که حتماً در این جهت قدم‌هایی بردارد.

ما نمی‌خواهیم موجودیت دولت را با این مسئله که این دولت اصلاً نمی‌تواند کاری انجام بدهد در مقابل علامت سؤال قرار دهیم، حزب توده ایران چنین نظری ندارد. ما معتقدیم که این دولت هنوز نظریات آیت‌الله خمینی را به‌عنوان رهبر دولت می‌پذیرد و هنوز امکانات بالقوه زیادی دارد که بتواند در این جهت قدم بردارد. این به‌خواست دولت در این زمینه کاملاً بستگی دارد. آینده امر در ماه‌های آینده نشان خواهد داد که آیا دولت می‌تواند از این موقعیت بسیار مثبت تاریخی که برایش فراهم شده استفاده کند و به‌وعده‌هایی که خودش داده عمل نماید یا نه. بدین جهت ما کوشش خواهیم کرد که تا یک دوره معینی این حالت انتظار را نسبت به‌دولت ادامه بدهیم و با حفظ جنبه تشویقی و کمک‌سازنده و با ارائه نظر و پیشنهاداتی از دولت بخواهیم که اقداماتی را در جهت اجرای وعده‌هایی که داده است انجام دهد. آینده نمره کار را نشان خواهد داد. اجزای و نیروهای انقلابی هم می‌توانند به‌این ترتیب نظرات خود را و موضع‌گیری خود را تعدیل و تغییر دهند. فعلاً موضع ما چنین است.

در مورد روستائیان ما به‌طور صریح می‌گوئیم که وضع دهقانان ایران وضع رقت‌باری است. وضع اکثریت بزرگی از دهقانان که بیش از ۵۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد رقت‌بار است. نه زمینی دارند و نه وسایله واقعی زندگی. هجوم دهقانان به‌شهرها دلیل این واقعیت است. این که جمعیت تهران از ۱ میلیون به ۵ میلیون رشد یافته که حتماً در نتیجه هجوم بی‌سابقه روستائیان به‌تهران می‌باشد، نشانه تحولات دردناکی است که در قسمت بزرگی از روستاهای ما در جریان

# جهان در یک هفته

### پادشاه دنباله‌روی و عقب‌ماندگی

کشور همایه ما ترکیه، با سرزمین حاصلخیز و مردم کوشا و کاردوستش، در مرکز نقل یک سلسله توطئه‌ها و تحریک‌های امپریالیستی قرار گرفته است که هدف آن همواره کشتن پای این کشور به ماجراهای نظامی بوده است. ترکیه که بار و رشکستی اقتصادی را به‌عزت و ایستکی دوجانبه به‌امپریالیسم، از طریق سنتی سابق و ناتو، و تبدیل آن به یک سربازخانه و زرادخانه بردوش می‌کشد، حال برای تامین مقاصد جاسوسی و تجاوزکارانه آمریکا در خاور میانه، جانشین ایران دوران استبداد سلطنتی می‌شود.

کشور شوروی بدین مناسبت اعلام کرد که وزارت دفاع آمریکا، حال که ایستگاه‌های جاسوسی خود را در ایران از دست داده، ترکیه را پایگاه استراتژیک مناسبی برای خود تشخیص داده است. روزنامه پراودا ارگان حزب کمونیست شوروی اعلام کرد که ایالات متحده در برابر موافقت دولت ترکیه با تمدید مدت استقرار پایگاه‌های این کشور در ترکیه پادشاهی به‌عنوان اعانه و هدیه به این دولت می‌دهد. پراودا سپس نوشت که بر همگان معلوم است که آمریکا از این پایگاه‌ها چگونه و برای نین بهره‌مقاصدی استفاده می‌کند. آنچه در این میان از طرف پنتاگون نادیده گرفته می‌شود منافع مردم ترکیه و تمایل آن‌ها به‌حفظ روابط صلحجویانه و مودت‌آمیز با همسایگان این کشور است.

پراودا متذکر شد که حضور آمریکا در ترکیه کوشی برای تحکیم و تثبیت نفوذ امپریالیسم یانکی در خاورمیانه است که بر اثر انقلاب خلق‌های ایران و انحلال پیمان نظامی سنتو تضعیف شده است.

### گرش برانی ازین دور...

امپریالیسم آمریکا، که اکنون به پایمردی و بر اثر انقلاب مردم ما و واژگونی نظام سلطنتی، پایگاه سفوذ امپریالیست‌ها در ایران، از این در رانده شده، می‌کوشد تا از دری دیگر درآید و در این منطقه پایگاه نفوذ جدیدی دست و پا کند.

خبرگزاری آلمان غربی اعلام کرد که آمریکا قصد دارد به‌اتفاق مصر در عمان حضور نظامی داشته باشد. به‌گزارش این خبرگزاری، کارشناسان نظامی مصر که اخیراً به‌عمان و واشنگتن رفته‌اند، با رژیم قاپوس به‌گفتگو پرداخته‌اند. در اینجا لازم است متذکر شویم که رژیم سادات، همزمان با ساخت و پاخت

### نظامی با آمریکا و اسرائیل، واحدهای نظامی خود را به‌عمان اعزام کرد تا به جای واحدهایی از ایران، که پس از طرد سلطنت ننگین پهلوی از کشور ما به‌وطن احضار شده‌اند، مستقر شوند.

حضور نظامی مشترک آمریکا و مصر در منطقه خلیج فارس (...که به‌اتفاق اسرائیل-اتحاد ملثک تجاوزکارانه‌ای را در خاور میانه تشکیل می‌دهند) خطری است که نه‌فقط مرزهای جنوبی و مناطق نفت خیز ایران، بلکه امنیت مناطق نفت‌خیز و استقلال کشورهای ساحلی خلیج فارس را نیز تهدید می‌کند. و این خود یکی از آثار توطئه نظامی اخیر کارتر - بگین - سادات به‌شمار می‌رود.

از طرف دیگر ریچارد هلز رئیس‌سابق سازمان جاسوسی «سی‌ای» آمریکا، که تا چندی پیش دلال معاملات محمدرضا پهلوی با سرمایه‌داران آمریکایی بوده‌است، پس از ریشه‌کن شدن شجره خبیثه سلطنت در ایران، مرکز فعالیت‌های جاسوسی‌علیه ملت‌های خاورمیانه را از تهران به‌قاهره منتقل کرده است.

روزنامه القس چاپ کویت اعلام کرد که ریچارد هلز برای تقویت سازمان اطلاعات و امنیت مرکزی وابسته به رژیم سادات محرمانه وارد قاهره شده است. القس با استناد به‌قول بعضی از منابع دیپلماسی نوشت که سادات همچنین از این جاسوس‌آمریکایی دعوت کرده است تا بعضی مقامات رژیم مصر را برای کشف و سرکوبی فعالیت‌های افسران آزادیبخش مخالف او آموزش دهد.

در این میان دیوید مک‌گرفت، معاون وزارت دفاع آمریکا، وارد قاهره شد و از مقر فرماندهی نیروی دریایی مصر در اسکندریه بازدید کرد. از این سفر گرفت، که در خلال آن با وزیر دفاع و رئیس ستاد ارتش مصر درباره‌ی نیازهای این کشور از لحاظ سلاح‌های از قبیل هواپیما، موشک و ناوچه‌های جنگی مدرن گفت و گوهایی انجام داده است، چنین مستفاد می‌شود که آمریکا دست‌اندر کار مسلح کردن هرچه بیشتر و کامل‌تر ژاندارم جدید خلیج فارس است.

### توسعه ابعاد تجاوز در خاورمیانه

در هفته‌ای که گذشت، اسرائیل دامنه گستاخی، تجاوز و اقدامات ضد انسانی خود را در خاور میانه گسترش داد. در جریان حملات هوایی دوروزه اسرائیلی‌ها به‌جنوب لبنان، حد اقل یازده تن مقتول و هشت نفر مجروح شدند. به‌گزارش آسوشیتدپرس، مقامات لیبانی اعلام کردند که قربانیان حملات اسرائیلی‌ها غالباً غیر نظامیان بوده‌اند.

از طرف دیگر مسیحیان راست‌گرای لبنان، که به‌محافل امپریالیستی وابسته‌اند، همچنان دوشادوش اسرائیل و همزمان با حملات توپخانه اسرائیلی‌ها، مواضع فلسطینی‌ها در لبنان، بالاخص اردوگاه رشیدییه را هدف حمله توپخانه سنگین قرار دادند.

به‌گزارش خبرگزاری فلسطینی وفا، کماندوهای فلسطینی در جنوب لبنان به حال آماده‌باش درآمدند و به‌حملات متقابل پرداختند و به‌دشمن تلفاتی وارد آوردند. دولت لبنان که بارها ناظر تجاوز اسرائیل به‌حریم حاکمیت آن کشور از هوا و از زمین بوده است، از شورای امنیت سازمان ملل متحد تقاضا کرده است که برای بیعت در پیرامون وضع نگران‌کننده‌ای که حملات اخیر اسرائیل در جنوب آن کشور به‌وجود آورده، جلسه ویژه خود را تشکیل دهد. نگرانی لبنان بیشتر از این لحاظ است که این دولت قصد دارد پیش از فرا رسیدن موعد تشکیل جلسه شورای امنیت چند واحد از ارتش خود را به‌منطقه تحت نظارت نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل متحد اعزام کند، لکن حملات اخیر اسرائیل این احتمال را تقویت کرده است که این کشور بر خلاف تضمین‌های قبلی آمریکا، از استقرار ارتش لبنان در جنوب این کشورمانعت کند.

با توجه به‌روش دیرین آمریکا در مورد تنویر اسرائیل در زمینه عدم تبعیت از مصوبات سازمان ملل متحد، می‌توان نظر دولت لبنان را در این بدگمانی صائب دانست. گواه این مدعی، به‌گزارش یونایتدپرس، پشتیبانی کارتر از حمله اسرائیل به‌جنوب لبنان است.

چیزی‌کارتر بدین لحن این حمایت از تجاوزات اسرائیل را ابراز کرد که تردید دارد «عملیات تروریستی فلسطینی‌ها از آن قبیل که سبب شد اسرائیل درصدد اقدامات انتقامجویانه علیه لبنان برآید روند صلح میان مصر و اسرائیل را متوقف کند». حال آن‌که دولت لبنان تأکید کرده است که نمی‌توان میان عملیات فدائیان فلسطینی در داخل اسرائیل و حملات این کشور به‌اراضی لبنان ارتباطی قائل شد.

### جنايات نژاد پرستان

دولت نژادپرست رودزیا، که یکی از زشت‌ترین و رسواترین مظاهر تجاوز و تعدی به‌حقوق و حاکمیت ملتها است، در سالیبوری اعلامیه‌ای رسمی انتشار داد حاکی از این‌که هواپیماهای این کشور «مجموع وسیعی» را در شمال زامبیا (در نزدیکی ژیبس)، که به‌زمره‌سندگان ناسیونالیست تعلق داشته است، بمباران کرده‌اند. در اعلامیه همچنین تصریح شده است که این سومین عملیاتی است که از طرف هواپیماهای رودزیا از آغاز هفته در

سرزمین زامبیا انجام گرفته است. از طرف دیگر لوزاکا اعلام کرد که هواپیماهای رودزیا در مدت یک هفته چهاربار تأسیسات «زاپو» (اتحاد خلق زامبیایی آفریقا) را بمباران کردند که در نتیجه یک اردوگاه پناهندگان «زاپو» هدف اصابت بمب‌ها قرار گرفت.

ستاد نظامی رودزیا نیز از طرف دیگر اعلام کرد که هواپیماهای این کشور اردوگاه چریک‌های میهن‌پرست رودزیا را در خاک زامبیا بمباران کردند. اعلامیه این ستاد نظامی همچنین حاکی است که هواپیماهای این کشور یک پایگاه ارتش انقلابی خلق زیمبابوئه را، که به‌جبهه وطن‌پرستان رودزیا در شمال لوزاکا وابسته است، هدف بمباران قرار دادند. بیان اسمیت بی‌شرمانه این ادعا را «که مقامات عالی‌رتبه شوروی بر ارتش انقلابی خلق زیمبابوئه نظارت دارند»، مجبور: کشتار ناسیونالیست‌ها و وطن‌پرستان رودزیا قرار داد و «برای امیدواری‌کرد» که «در جریان این حملات نیروی‌هوایی رودزیا، عده‌ای از چریک‌های ناسیونالیست کشته شده باشند»

### چین پناه‌گاه عوامل منحط

رادیوی هانوی اعلام کرد که عوامل و ایادی رژیم منط و سرنگون‌شده پهلوت و ینگساری به‌یک پناه برده‌اند.

نظام خلقی کامبوج و دولت جمهوری دموکراتیک ویتنام در نامه‌ای که به سازمان ملل متحد ارسال داشتند خواستار اخراج نماینده رژیم سرنگون شده کامبوج از آن سازمان شدند.

از طرف دیگر هانوی حسن‌نیت خود را برای رفع تشنج و کشمکی که میان چین، و جمهوری سوسیالیستی ویتنام، که مورد تجاوز چین قرار گرفته بود، اثبات کرد.

فان هین، معاون وزارت امور خارجه جمهوری سوسیالیستی ویتنام، اعلام کرد که دولت متبوع چین آماده است که در آینده نزدیک با چین برای گفت و گو درباره‌ی روابط دو کشور، و نه در مورد مسائل مربوط به یک کشور ثالث، در پشت میز مذاکره نشیند.

فان هین، سپس متذکر شد که ویتنام نظرات خود را در تمام یادداشت‌هایی که برای طرف چینی ارسال داشته مشخص کرده است و آن اینست که «گفت و گوها باید شامل تمام روابط بالاخص یک سلسله تدابیر فوری که برای استقرار ثبات و صلح در امرز اتخاذ گردد - و همچنین وسایل ایجاد مناسبات عادی میان دو کشور شود».

معاون وزارت امور خارجه ویتنام مؤکداً یادآور شد: «نیروهای چینی هنوز پانزده نقطه از خاک ویتنام را تحت اشغال خود نگاهداشته‌اند. تحریکات، تیراندازی توپخانه، نفوذ جاسوسان، احداث جاده‌ها و مراکز نظامی همچنان ادامه دارد».

### طبیعی است حفظ و توسعه این پایگاه‌های ثابت و سیار، هزینه‌های افسانه‌ای می‌طلبد

و تحمل این مخارج هنگفت جز برای ارضای خواست‌ها و هدف‌های غارت‌گرانه و سلطه‌جویانه قابل تصور نیست. در چنین متنی است که طرح ایجاد ناوگان پنجم که تمامی منطقه ما و اقیانوس هند را زیر پیوش کابوس‌های خود می‌گیرد، برای همه کشورهای صلح دوست و مستقل این حوزه و همه جنبش‌های آزادی‌بخش که منافع محلی امپریالیسم را زیر ضربات خود گرفته‌اند، به‌منزله یک هتداز جدی است. ژنرال «دیوید. سی. جوتز» رئیس کمیته رؤسای ستاد آمریکا در گزارشی خواستار ایجاد منطقه نفوذ حیاتی در منطقه‌ای از افغانستان تا شاخ آفریقا است. وی ناوگان پنجم را برای مقابله با خطر حمله احتمالی، کماتر و ناگافی می‌داند، از اینرو قصد اصلی تشکیل چنین ناوگانی را نه دفاع و مقابله، بلکه نفوذ و حمله معرفی می‌کند. روزنامه لوموند دیپلماتیک در مقاله‌ای تحقیقی به‌قلم «مایکل. تی. کله» در تشریح کنه سیاست نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس می‌گوید: «بعضی ناظران برآند که ایالات متحده تنها در پی تحکیم موقعیت سیاسی نبوده، می‌خواهد در امور سیاسی کشورهای منطقه هم اعمال نفوذ کند. و این بخشی از واقعیتی است که اعتراض هندوستان را درباره تشکیل ناوگان پنجم آمریکا، به‌منزله نوعی دخالت نامشروع در امور کشورهای منطقه‌ای که هزاران کیلومتر با خاک آمریکا فاصله دارد، برانگیخته است. وزارت خارجه هند از توسعه حضور نظامی آمریکا در منطقه اقیانوس هند، به‌شدت اظهار نگرانی کرده است. این نگرانی برای مردم میهن ما که به‌روشنی می‌دانند شتاب آمریکا در بررسی دوباره طرح تشکیل ناوگان پنجم با انقلاب ضدامپریالیستی آن‌ها رابطه مستقیم دارد، به‌مراتب بیشتر وجود دارد، ولی متأسفانه دولت موقت ایران - که تشکیل ناوگان پنجم مستقیماً با حوادث ایران مربوط است - در این‌باره مهر سکوت برلب زده است.

## دست‌آوردهای انقلاب دموکراتیک ملی در افغانستان

افزایش می‌یافت. در کشور برابر آمار رسمی تنها نزدیک به ۲۰۰۰ واحد تولیدی کارگاهی و کارخانه‌ای با بیش از ۵۰ هزار کارگر وجود داشت که ۴۰ هزار نفرشان در بخش دولتی کار می‌کردند. عقب‌ماندگی شدید قسرون وسطایی، افزایش مداوم نابرابری ملی، تحذیب بیش از پیش حقوق و آزادی‌های دموکراتیک، سرکوب تظاهرات و اعتصابات اعتراضی زحمتکشان و نیروهای دموکراتیک ملی موجب ناخشنودی وسیع مردم از رژیم حاکم گردید و سرانجام در روز ۲۸ آوریل سال ۱۹۷۸ بدنبال قیام انقلابی

از انقلاب ۲۷ آوریل ۱۹۷۸ افغانستان یک‌سال می‌گذرد. این انقلاب به‌حاکمیت سرمایه‌داران بزرگ و متوسط و قشر با نفوذ زمین‌داران و روحانی‌نمایان فئودال پایان داد و کشور را از قید مناسبات فئودالی و نیمه‌فئودالی آزاد کرد. انقلاب ملی و دموکراتیک افغانستان در شرایطی به‌پیروزی رسید که بنا به گزارش کارشناسان سازمان ملل درآمد سرانه کشور از صد دلار تجاوز نمی‌کرد. در سراسر کشور تنها ۸۰۰ پزشک و ۷۵ پنگاه درمانی وجود داشت. ۹۰ درصد اهالی بی‌سواد بودند. بدنی خارجی‌پیوسته

بقیه در صفحه ۶

## چه چیزی را تکذیب می‌کنند؟

سخنگوی دولت در یکی از مصاحبه‌های هفته پیش نوشته‌های روزنامه «مردم» را درباره بازسازی ساواک تکذیب کرد و هشدارهای ما را بیجا شمرد. امیر انتظام یادآوری کرد که دولت فقط یک شبکه اطلاعاتی ضد جاسوسی - که در دنیای امروز هیچ کشوری از آن بی‌نیاز نیست - به‌وجود می‌آورد.

ما قبل از هر چیز از گفته‌های آقای امیر انتظام در این زمینه خرسندیم. چه بهتر که آنچه ما در باره ساواک نوشته‌ایم درست نباشد. ما تم‌ترین نفی نداریم که این نوشته‌ها به‌واقعیت پیوندند. و صدبار خوشحال خواهیم شد که گفته‌های ما نادرست و تکذیب سخنگوی دولت راست باشد.

با این‌حال حزب توده ایران حزب مسئولی است و روزنامه ما به‌عنوان ارگان مرکزی این حزب هرگز به‌خود اجازه نمی‌دهد که به‌کسی - و به‌طریق اولی بدولتی که اقدامات ضد امپریالیستی آن مورد تأیید است - نسبت نادرست بدهد. ما در سی و هفت سال زندگی سیاسی خود میلیون‌ها تهمت و اهانت شنیده‌ایم ولی هرگز به هیچ‌کس اتهام نثاروا نکرده‌ایم.

در مورد ساواک نیز متأسفانه مطالبی که نوشته‌های خود خیرهای موقت و هم چنین به گفته‌های خود آقای امیر انتظام مبتنی است. ما نمی‌دانیم که ایشان گفته‌های قبلی خودشان را هم تکذیب می‌کنند و از تغییر در سیاست دولت موقت در این زمینه خبر می‌دهند؟

خود آقای امیر انتظام در یک‌مصاحبه مطبوعاتی خبر داد که سه نفر برای تسویه امور ساواک تعیین شده‌اند و قراربراین است که از دستگاه‌های گرافیکیت ساواک استفاده شود. خود او بود که امکان استفاده از متخصصین ساواک را مطرح کرد و زمانی که در مصاحبه دیگری از او در باره استفاده از کارمندان سابق ساواک پرسیده شد با این جمله پاسخ داد که:

«نه تکذیب، نه تأیید می‌کنم» معنای این جمله چیست؟ آیا آقای امیرانتظام زبان دیپلماتیک‌ترین می‌کند؟ خیری که ما دادیم و سخنگوی دولت نمی‌تواند آن را تکذیب کند این است که از سازمان سابق اطلاعات و امنیت کشور سه اداره و دو جبهه اداره چهارم که به تقبیل سازمان‌های کمونیستی می‌پرداخت شروع به‌کار کرده دیگر از دستگاه‌های گرافیکیت ساواک که دولت موقت از آن دل نمی‌کند، دستگاه کنترل تلفن‌هاست.

بعلاوه در اظهارات مقامات دولتی و از جمله سخنگوی دولتی گاه مطالبی به‌گوش می‌خورد که نشان وجود تصور نادرست و کهنه‌ای از نوع کار سازمان‌های اطلاعاتی است. از جمله اخیراً سخنگوی دولت این مطلب را عنوان کرد که دولت به‌این دلیل نمی‌تواند نسبت به‌حوادث کشور عکس‌العمل سریع نشان دهد که شبکه اطلاعاتی ندارد. او گفت که رژیم سابق پنج شبکه اطلاعاتی داشت و لذا به‌فوریت عکس‌العمل می‌کرد.

از این گفته روشن است که مقامات دولتی گمان می‌کنند که برای داشتن خبر از کشور باید از سازمان‌های اطلاعاتی بهره گرفت. بعبارت دیگر آن‌ها این سازمان‌ها را برای خیرگرفتن از داخل کشور لازم می‌دانند، نه برای مقابله با جاسوسان خارجی.

این تصور از خبرگیری و شیوه اداره کشور غیرقانونی، خلاف ابتدائی‌ترین حقوق انسان‌ها و در عین‌حال بدترین و ناقص‌ترین نوع خبرگیری است. هر دولتی که بخوهد براساس اطلاعاتی که از این گونه سازمان‌ها می‌گیرد «عکس‌العمل» نشان دهد دچار بزرگ‌ترین اشتباهات خواهد شد. شکست‌های بزرگ سیا آموزنده است. این سازمان جهشی تلفن‌های هزاران آمریکایی را گوش می‌کند و شبکه وسیع تقبیل و تفتیش عقاید و خرابکاری دارد ولی از درک واقعیت درحساس‌ترین لحظات باز می‌ماند. کار ساواک و درجه مطلع بودن و عکس‌العمل نشان دادن شاه نمونه بارز دیگری است.

بیانید این تجربه را تکرار نکنیم. بیانید اطلاع از اوضاع داخل کشور را - که نه فقط حق بلکه وظیفه هر دولتی است - از کار اطلاعاتی و جاسوسی جدا کنیم و بر مبنای دموکراتیک و تماش قانونی آشکار مردم با دولت بنا نهیم. بیانید قبول کنیم که هر حزب و گروهی که به حکومت می‌رسد حسق ندارد سازمان اطلاعاتی و دستگاه‌های گران‌قیمت آن را برای کسب خبر از احزاب و سازمان‌های دیگر اجتماعی به‌کار اندازد. این کار نه فقط زشت غیرقانونی و خلاف ابتدائی‌ترین حقوق انسانی است، بلکه سرانجام به‌سود ارتجاعی‌ترین نیروهاست.

# پیش به سوی شکل صنفی طبقه کارگر ایران

آزاد و واقعی در هر رشته صنعتی و تأمین وحدت عمل سندیکاهای رشته‌های گوناگون فراهم آورد و با ایجاد سازمان سراسری اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان، شکل سازمانی ارتشی شش میلیونی زحمتکشان ایران را تأمین نماید.

تشکیل سندیکایی به کارگران امکان می‌دهد که: همبستگی طبقه‌ای و روح اتحاد در صفوف خود را تقویت کنند شرایط لازم را برای دفاع از حقوق صنفی و اجتماعی و بالابردن سطح زندگی و موقعیت اجتماعی خود تأمین نمایند.

از طریق سندیکاهای بر اجرای دقیق مواد مترقی قانون کار و بیمه‌های اجتماعی و برای تکمیل این قوانین در جهت منافع خود و موافق پیشرفت جامعه مبارزه کنند.

در مدیریت کارخانه و تولید دخالت نمایند.

از طریق نمایندگان خود با کارفرما یا مراجع دولتی وارد مذاکره شده و پیمان‌های دستجمعی کار منعقد نمایند.

خبرنامه، روزنامه، کتاب و یا هر نشریه دیگری را که در جهت هدف‌ها و مناقشات باشد انتشار دهند.

به‌طور یکپارچه و در صفوف فشرده و گسترده به دفاع از حقوق و منافع خود بپردازند و در صورت لزوم در اعتراض‌ها و تظاهرات شرکت نمایند و صندوق اعتصاب و تعاون کارگری تشکیل دهند.

سازمان‌های فرهنگی و ورزشی خود را به‌وجود آورند و در فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی شرکت جویند.

از طریق نمایندگان خود در مدیریت کارگاه یا کارخانه شرکت جویند و در تنظیم و اجرای آئین‌نامه‌های کارگاهی شرکت و نظارت کنند.

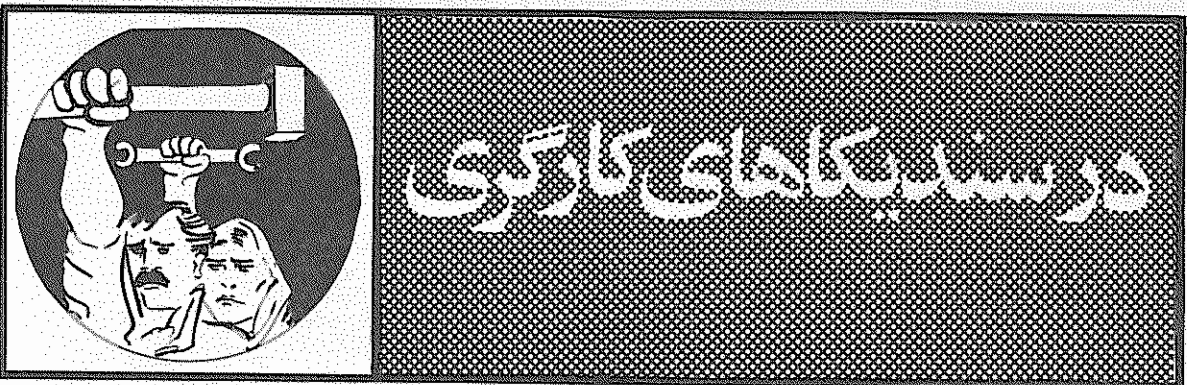
از آزادی‌های دموکراتیک یعنی آزادی سندیکایی، بیان، قلم، اجتماع، عقیده و زبان دفاع کنند و در جهت تأمین آن در سراسر کشور بکوشند.

در برگزاری هر چه باشکوه‌تر روز اول ماه مه - روز همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان - مجاهدت ورزند.

تشکل سندیکایی و گسترش آن در مقیاس سراسر کشور، وحدت صنفی طبقه کارگر را تأمین خواهد کرد و وزن و اعتبار اجتماعی و سیاسی این طبقه را در جامعه بالا خواهد برد. کارگران پیشرو و آگاه در این زمینه وظیفه بسیار مهمی به‌عهده دارند. آنان باید بکوشند وحدت درونی و طبقه‌ای کارگران را حفظ و تحکیم کنند و از بروز هرگونه شکاف و جدایی در صفوف کارگران به هر جهت که باشد جلوگیری نمایند و همواره بر روی اشتراک منافع طبقه‌ای کارگران تأکید ورزند. زیرا هرگونه تقسیم‌بندی ساختگی کارگران و جد کردن صفوف آنان به‌همین بهانه که باشد به‌منافع صنفی و طبقه‌ای آن‌ها زیان جدی وارد خواهد ساخت.

مهم‌ترین وظیفه طبقه کارگر ایران در عرصه نبرد اقتصادی ایجاد سندیکاهای اتحادیه‌های کارگری است. می‌دانیم که هیچ طبقه‌ای به اندازه طبقه کارگر استعداد تشکل ندارد، اما دشمنی با تشکل کارگران هم بیش از هر طبقه دیگری است. طبقات استثمارگر در برابر تشکل کارگران موانع گوناگون پدید می‌آورند. وضع قوانین ضد کارگری، پیکرد رهبران کارگران، پایمال کردن آزادی‌های سندیکایی، سرکوب اتحادیه‌های واقعی و ایجاد اتحادیه‌هایی که بوسیله دست‌نشانندگان پلیس و کارفرما اداره می‌شوند، همه این‌ها از جمله وسائلی است که برای ایجاد تفرقه در صفوف کارگران و جلوگیری از تشکل آنان به‌کار می‌رود. برانداختن این موانع آسان نیست. از پیدایش نخستین سازمان‌های کارگری و اتحادیه‌های صنعتی در ایران اکنون بیش از هفتاد سال می‌گذرد. طی این مدت جنبش کارگری و دموکراتیک قربانی‌ها داده است. هزاران کارگر مبارز و پیشرو به‌زندان افتاده‌اند، شکنجه شده‌اند و ده‌ها تن از آنان شهید گردیده‌اند. سازمان‌های صنفی کارگران طی سال‌های طولانی از فعالیت علنی و مستقل محروم ماندند. تنها در دوره کوتاه پس از شهریور ۱۳۲۵ تا کودتای ضد ملی ۲۸ مرداد، طبقه کارگر ایران توانست زیر رهبری حزب توده ایران، علیرغم همه موانع و دشواری‌ها، حق تشکیل اتحادیه‌های صنفی را به طبقات حاکم تحمیل کند و شورای متحد مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان و سپس هیئت مؤتلف سندیکاهای را به‌وجود آورد. این شورا نقش بزرگی در تشکل صنفی کارگران و کسب حقوق آنان ایفا کرد. برای اولین بار قانون کار - ولو ناقص - در جهت محدود کردن اختیارات و فعالیت‌های کارفرمایان به‌تصویب رسید. اما پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد، رژیم دست‌نشانده با سرکوب جنبش دموکراتیک مردم ایران، آزادی‌های سندیکایی را نیز در کنار آزادی‌های دموکراتیک دیگر پایمال کرد و قانون کار را در جهت ارتجاعی تغییر داد و با تنظیم آئین‌نامه‌های ارتجاعی‌تر راه دخالت وزارت کار و ساواک را در امور مربوط به کارگران گشود. طبقه کارگر ایران در سال‌های طولانی حاکمیت رژیم ترور و اختناق ستم‌ترین بار فشار و سرکوب و استثمار را بر دوش کشید اما همواره با سرسختی و پایداری به مبارزه ادامه داد و در جریان گسترش جنبش انقلابی ملی و دموکراتیک نقش بسیار مهمی ایفا کرد و با اعتصابات پی‌گیر خود کم‌استبداد را شکست و رژیم را به‌زانو درآورد.

اکنون که انقلاب طومار رژیم سلطنت را بر چیده و آزادی‌های دموکراتیک را تا حدودی تأمین کرده است، این وظیفه خطیر در برابر طبقه کارگر رزمنده ایران قرار گرفته که قبل از هر چیز تشکل و اتحاد درونی خود را با احیای سندیکاهای



از منافع طبقاتی و ایجاد سنت نوینی در تشکل سندیکاهای کارگری... به‌موجب اسانسه زیر تصمیم به ایجاد سندیکای واقعی و مستقل خویش گرفته‌ایم. براساس رهنمودهای این اسانسه، سندیکای واقعی کارگران صنعت نفت که حوزه فعالیت آن سراسر کشور خواهد بود با معیارها و ضوابط مترقی کارگری تشکیل خواهد شد. این اسانسه در یک مقدمه، فصل ۴، ماده ۳۵، بند ۳، جزء ۱۵ تبصره به‌تصویب مجمع عمومی سندیکای کارگران صنعت نفت رسید.

کارگران کتابفروشی‌های تهران که به‌موجب اعلامیه‌ای از کلیه کارگران این رشته جهت انتخابات سندیکایی (روزجمعه) دعوت به‌عمل آورده بود، در بازارچه کتاب اجتماع کردند و نمایندگان واقعی خود را برای سندیکا برگزیدند.

اسانسه «مجمع عمومی سندیکای کارگران صنعت نفت» منتشر شد. در این اسانسه آمده است: به‌منظور استیفای حقوق از دست رفته خود و اعتلای دانش سیاسی و اجتماعی و آگاهی کارگران از موقعیت طبقاتی و اجتماعی و سیاسی خود و دفاع

سه‌شنبه ۱۴ فروردین

حدود ۲۵۰ تن از کارگران تأسیساتی ساختمان و لوله‌کشی سندیکای خود را در محل اجتماعات کارگری پاساژ صدرتشکیل دادند. این جلسه بیش از ۵ ساعت طول کشید. کارگران هیئت مدیره و هیئت بازرسی سندیکا را انتخاب کردند. از این میان ۷ تن در هیئت مدیره و ۳ تن در هیئت بازرسی عضویت دارند.

سه‌شنبه ۱۶ فروردین

حدود ۲۵۰ تن از کارگران قالب‌بند آرماتوربند و بتون‌ریز در سالن سندیکای کشف سوزنی اجتماع کردند و هیئت مؤسس خود را به‌اتفاق آرا برگزیدند، تا در جهت تشکیل سندیکا و اسانسه و صورت جلسه و انتخاب هیئت مدیره واقعی خودشان فعالیت کنند. هیئت مدیره سندیکا از افراد زیر تشکیل می‌شود:

سلیمان دانشیان - علی قاسمی - ولی‌الله مظاهری - محمدتقی گلرنگ - پرویز بهرامی - صفر پورآزاد - اصغر مصطفی‌زاده.

## تدارک اول ماه مه

کمیته تدارک برگزاری جشن اول ماه مه (روز کارگر) ضمن صدور اعلامیه‌ای از همه کارگران، سندیکاهای و اتحادیه‌های کارگری خواست که نیروی خود را صرف برگزاری هر چه بهتر روز کارگر کنند.

در اعلامیه این کمیته آمده است: اول ماه مه روز تجلی قدرت متحد کارگران و زحمتکشان در مقیاس کشور و در سطح بین‌المللی است. ما کارگران موظفیم همه نیروی خود را به‌کار ببریم که این روز بزرگ با اتفاق نظر کامل برگزار شود و زمینه‌ای برای وحدت صفوف کارگران باشد. ما پیشنهاد می‌کنیم که سندیکاهای کارگری از هم‌اکنون در کارخانه‌ها و محیط‌های کار خود جلساتی برای آشنا کردن کارگران با مضمون این روز تشکیل دهند.

محل کمیته تدارک برگزاری جشن روز کارگر خیابان لاله‌زارفوق چهار راه کنت پاساژ صدی سندیکای بافنده سوزنی است.

### تحصن پایان یافت

تحصن کارگران بیکار در دادگستری سرانجام پس از ۵ روز در شبگاه شنبه گذشته پایان یافت. وزیر دادگستری به کارگران قول داد کلیه سایل و خواست‌های آنان را در هیئت دولت مطرح خواهد کرد و برای تحقق این خواست‌ها، خواهد کوشید. وزیر دادگستری به‌ویژه در مورد صندوق وام کارگران قول مساعد داد. کارگران آزادی تی‌چند از کارگران کسباب را که مدتی پیش در یک درگیری دستگیر شده بودند، از شرایط شکستن تحصن قرار دادند که بلافاصله به‌مرحله اجرا درآمد.

هر چند نغمه‌های مخالفی مبنی بر ادامه تحصن به‌گوش می‌رسید، ولی اکثریت کارگران به‌این نتیجه رسیدند که فعلاً به‌قول وزیر دادگستری اعتماد کنند.

واقعیت این‌است که موقعیت دشوار کارگران در تأمین معیشت و بلا تکلیفی و سرگردانی طولانی آن‌ها، زمینه برخی سوء استفاده‌ها را فراهم آورده است. کسانی که از طرف کارگران سخن می‌گفتند با توافق بر سر پایان بست‌نشینی موافق نبودند. اینان همان کسانی هستند که برای ورود خبرنگار «مردم» به‌میان کارگران متحصن اشکال‌تراشی کردند و بخش اعلامیه‌های خود کارگران را درباره اول ماه مه منع کردند. کارگران با توجه به حرکت‌های چپ‌روانه بی‌چانی که اخیراً این گونه عناصر در تهران و اصفهان در صفوف کارگران بیکار بروز دادند، با توافق بر سر پایان تحصن، عملاً به‌آنان پاسخ منفی دادند.

در باره کارگران بیکار اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در همین شماره چاپ شده است. جادارد که کارگران آگاه مضمون این اعلامیه‌ها را به‌شهرهای وسیع کارگری توضیح دهند.

به وزارت اطلاعات و تبلیغات، از بیستم فروردین.

گروهی از کارگران شرکت متوسک به‌اتفاق زن و بچه‌های خود از شنبه هجدهم فروردین.

آبادان: - ۱۳۵۰۰ کارگر رشته‌های مختلف صنعتی و فنی این شهر از بیست و یکم فروردین.

تعداد کثیری از کارگران فاضلاب اداره آب و فاضلاب شرکت نفت آبادان.

خواست مشترک تمامی کارگران اعتصابی و متحصن، بازگشتن به سر کار، پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده، جلوگیری از اخراج دیگر کارگران و بهتر شدن شرایط کار است.

آمل: - بیش از ۸۰۰ تن از کارگران سه شرکت ساختمانی آمل از شانزدهم فروردین.

شیراز: - ۲۰۰۰ تن از کارگران بی‌کار و اخراجی شیراز از بیست و یکم فروردین.

ساری: - ۴۰۰ تن از کارگران شرکت طاق‌بتونی از هجدهم فروردین.

تهران: - گروهی از کارگران و پیمانکاران شرکت «پرسی زیسون» از ۱۴ فروردین.

### بست‌نشینی به کارگران تحمیل شده است

مشغول به‌کار شدن در اسرع وقت

۳. رسمی شدن کلیه کارگران روزمزد

۴. برگرداندن کلیه کارگران اخراجی به‌سرکار

۵. رسیدگی به‌دفا تر شرکت جهت روشن شدن وضع مالی شرکت

۶. بالا بردن حقوق کارگران، تا سطح تأمین مایحتاج زندگی.

\* در پی تظاهرات کارگران بیکار، یک کارگر کشته شد. این حادثه روز شنبه ۱۸ فروردین به‌وقوع پیوست و کارگران برای اعتراض به‌وضعیت ناپسند زندگی خود و متوجه کردن مسئولان امر نسبت به‌مسئله بیکاری دست به تظاهرات زدند.

در راه‌پیمایی هزاران نفری کارگران بیکار فصلی و اخراجی کارخانه‌ها که به‌دعوت هیئت مؤسس مسوقت شورای کارگران بیکار انجام شد، تهاجم‌آصفهان که منجر به‌کشته‌شدن یکی از راه‌پیمایان گردید، به‌شدت محکوم شد.

\* کارگران شرکت «فارماپتون» از روز ۱۸ فروردین‌ماه در دفتر مرکزی شرکت در خیابان تخت جمشید دست به تحصن زده‌اند. کارگران در قطعنامه‌ای که منتشر کرده‌اند اظهار داشتند که از تاریخ ۱۵۷۱۵۷۱۵۷ کارفرما شرکت را تعطیل کرده و تاکنون هیچ حقوقی و مزایایی به‌آنها نپرداخته است. صاحب شرکت (علی کشفی) در جریان انقلاب فراری شده. این شخص صاحب کارخانجات پارس‌فلز، آرد، مِهک (پروژه فرودگاه چاه‌بهار) نیز می‌باشد. با این همه، از طریق وزارت کار، اطاق بازرگانی بودجه‌ای به‌مبلغ پانصد هزار تومان جهت گشایش و پرداخت حقوق کارگران در اختیار شرکت قرار داده است، اما شرکت تنها می‌خواهد با کارگران تسویه حساب کرده، آن‌ها را اخراج نماید.

کارگران متحصن در پایان قطعنامه خواست‌های خود را به‌شرح زیر اعلام کرده‌اند:

۱. پرداخت کلیه حقوق و مزایای عقب افتاده

۲. روشن شدن وضع شرکت و

### درخواست از هواداران

هیئت تحریریه «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، از دوستان و هواداران که هر گونه اطلاعاتی از زندگی و بیکاری شهدای حزب دارند و یا عکس و سندی از آنان در اختیار آنها است درخواست می‌کند به‌دفا تر «مردم» مراجعه کنند.

مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلاً هفته‌ای یکبار، روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.

نشانی موقت: تهران، خیابان ۱۶ آذر روبروی دانشکده فنی، شماره ۶۸

# اول ماه مه

## راه‌رچه کامل‌تر

### تدارک کنیم



جبهه متحد خلق...

نگاه‌دارد... حتی پیش از پیروزی انقلاب سروصداهایی حاکی از عدم رضایت این بخش از محتوی مترقی نظریات آیت‌اله خمینی در زمینه نظام اقتصادی جمهوری دموکراتیک اسلامی به گوش می‌رسید این عدم رضایت روزه‌روز شدت پیدا می‌کند. «علائم این عدم رضایت را می‌توان در بسیاری جاها و از جمله در گفتار و رفتار و سیاست مقامات همین دولت موقت آشکارا دید. البته هیچ‌کس این‌گونه عدم رضایت‌ها را به‌طور مستقیم مطرح نمی‌کند و دنبال نقطه ضعف و دستاویزی می‌گردد اما کدام دست‌اندرکار سیاست است که خواست‌های واقعی را از دستاویزها تمیز ندهد؟

در این لحظه حساس وظیفه همه نیروهای صریح انقلابی است که علی‌رغم تفرقه‌افکنان همه قوای خود را درجبهه اصلی نبرد گردآورند و برای شکستن مقاومت دشمن، انقلاب را درعرصه اجتماعی - اقتصادی به‌پیش رانند. حزب ما برای رسیدن به این مقصود تشکیل جبهه متحد خلق را پیشنهاد می‌کند. شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب معتقد است:

«اولین و مهم‌ترین وظیفه حزب، کوشش در این راه است که با همکاری همه نیروهای راستین انقلابی خلق و در درجه اول با نیروهای تحت رهبری آیت‌اله خمینی نهال جوان پیروزی به‌دست آمده را... تحکیم کنیم... و بکوشیم تا این پیروزی بزرگ تاریخی را که بدون تردید دارای برد عظیم جهانی است بازگشت ناپذیر کنیم.»

اعلامیه کمیته مرکزی...

و کارگزاران ایرانی آن‌ها و همچنین صنعتی کردن طبق نقشه کشور عملی ساخت. و همه این‌ها را نه با مقابله با کارگران و زحمت‌کشان، بلکه با همکاری آنان، بویژه از راه سندیکاهای کارگری، می‌توان و باید تحقق بخشید. تأکید این نکته بویژه از این جهت لازم است که عوامل شناخته و ناشناخته امپریالیسم و رژیم سرنگون شده، با نقاب‌های گوناگون، می‌کوشند از مشکل بیکاری و از نارضائی بیکاران برای منحرف کردن جنبش انقلابی مردم ایران از مبارزه در راه هدف‌های اصلی خود، برای ایجاد نفاق و تفرقه بین نیروهای خلق، بویژه بین کارگران و سایر اقشار و طبقات ملی و زحمت‌کش، سوء استفاده کنند. از اینجاست که ما بدولت موقت انقلابی هشدار می‌دهیم که هرگونه تأخیر و تعلل درمبارزه بر ضد بیکاری، در تحقق خواست‌های بحق و عادلانه بیکاران، در کوتاهی برای جلب همکاری کارگران و زحمت‌کشان و اتحادیه‌های صنفی آنان به‌منظور حل مسائل کارگری و بویژه حل مشکل حاد بیکاری، عملاً کمکی است به این عوامل. ما در همان حال به کارگران و زحمت‌کشان بیکار هشدار می‌دهیم که به هیچ عنوان و به هیچ شکلی نگذارند مبارزه بحق و عادلانه آن‌ها از جاده صحیح و اصولی خود خارج شود و اتحاد بین خود آن‌ها و اتحاد آن‌ها با سایر اقشار و طبقات خلق سست گردد. ما از همه هموطنان، از همه نیروهای ملی، دموکراتیک و مترقی می‌طلبیم که با همبستگی با کارگران و زحمت‌کشان بیکار، با حفظ و تحکیم اتحاد نیروهای خلق، با انتقاد سازنده، سهم خود را در حل مشکل بیکاری ادا کنند.

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، مانند همیشه تمام نیروی خود را در این زمینه به‌کار خواهد برد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۲۳ فروردین ۱۳۵۸

## چند خبر کوتاه از روستاهای قهرمانشهر

دمکنه کشک آوین

مالک این ده جمال عامدی است که رسول فرزند حاجی و مصطفی فرزند ابراهیم را اخراج کرده است و خدر و عیسی و سمال را بعد از گرفتن ۹۰۰۰ تومان نیز اخراج نموده است.

قریه بازرگه

در روستای مذکور شخصی بنام عبدالله معروف به‌خرد فرزند محمد مبلغی معادل ۴۰ هزار تومان اعم از گوسفند و پول نقد از اهالی بازرگه و قریه بردیان گرفت و شخصی را بنام عبدالرحمن فرزند جبرائیل آنقدر با شلاق زد که بیهوش شد و او را زندانی نمود.

قریه میگل (صومای)

در روستای میگل شخصی بنام حیدر فرزند اسماعیل که خود را ارباب می‌داند نه تنها از رعایای روستای مذکور پول گرفت بلکه از شخصی که سال‌های زیاد به او خدمت کرده بود ۸ هزار تومان باج گرفت و سپس چشم‌هایش را بسته و او را پای دار برده قصد داشت او را اعدام کند این شخص اسمش احمد فرزند حاج تیمور است. از روستای کوزه‌رک (صومای سماں) فرزندان سرتیب عامدی (عیسی و مصطفی و زبیر) حدود ۴۷ خانواده را از خانه‌هایشان اخراج نموده‌اند.

### زمینه‌های عینی اتحاد...

در مورد انقلاب ایران که باید قدرت حاکمه را به نیروهای خلق واگذارد، اعضای مؤسس حزب جمهوری اسلامی چنین عقیده دارند:

«با توجه به ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران که طبقات مختلف مردم به‌جز سرسپردگان امپریالیسم و رژیم منفور گذشته در آن شرکت کرده‌اند، آینده این انقلاب منجر به قدرت رسیدن مستضعفین شده و آن‌ها حاکم و ستم‌گران محکوم می‌شوند.»

در مورد تحریکات امپریالیسم علیه انقلاب ایران:

«این انقلاب منافع امپریالیسم را شدیداً در ایران و در منطقه به‌خطر انداخته است. طبیعی است که امپریالیسم به این سادگی از منافع خود دست برنمی‌دارد و مرتباً دست به توطئه‌چینی می‌زند. از نغمه شوم جدایی‌طلبی گرفته تا تحریکات دیگر، یکی از اهداف این تحریکات تضعیف رهبری امام خمینی است، چرا که این رهبری در واقع قلب انقلاب ما را تشکیل می‌دهد... تضعیف رهبری به معنای تضعیف توان انقلابی خلق ماست.»

در مورد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی:

«ما و کلیه کسانی که به‌ایدئولوژی اسلامی معتقدیم، عمیقاً معتقد به آزادی‌های اساسی انسان هستیم. احزاب، اقلیت‌ها، بیان، مطبوعات و اجتماعات باید آزاد باشند و کسی نباید متعرض آزادی افراد و گروه‌ها بشود. ما اعتقاد داریم برای رشد و تکامل انسان باید آزادی کامل وجود داشته باشد و بدون آزادی رشد و شکوفایی انسان امکان‌پذیر نیست.»

اعضای مؤسس حزب جمهوری اسلامی تحریکات و تشییفات علیه پاره‌ای از احزاب و گروه‌های سیاسی را توطئه امپریالیستی می‌دانند:

«از جمله توطئه‌های امپریالیسم، توطئه ایجاد تفرقه است. تفرقه بین شیعه و سنی، مذهبی و غیرمذهبی. حال آن‌که آزادی برای همه است. آزادی فعالیت سیاسی همه گروه‌ها و عقاید، وسیله افراد مسئول و رهبران انقلاب تضمین و مورد تأکید قرار گرفته است و عملاً هم این آزادی وجود دارد.»

در مورد عده‌ای که معترض آزادی‌های دیگران می‌شوند:

«درباره این‌ها باید گفت: عوامل رژیم سابق و عمال سیا و تمام کسانی که به‌نحوی با انقلاب اسلامی متضرر شده‌اند، دست به تحریک می‌زنند و مشکلاتی به‌وجود می‌آورند. آن‌ها نمی‌گذارند انقلاب جریان طبیعی خود را ادامه دهد. اما مردم هوشیارند و هر توطئه‌ای را بالاخره خنثی می‌کنند.»

در مورد قراردادهایی که رژیم گذشته به‌زیان مردم ما با کشورهای امپریالیستی برقرار کرده:

«همان‌طوری که امام فرمودند تمام قراردادهایی که با منافع مردم ایران سازگار نیست، باید لغو شود. در این زمینه تعللی روا نیست. قراردادهایی که تاکنون لغو نشده یا به‌وسیله همین دولت و یا به‌وسیله دولت‌های دیگر ملغی می‌شود. به هر حال ما هر قرارداد امپریالیستی را محکوم می‌کنیم.»

در مورد سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم:

«باید اموال متعلق به «سرمایه‌داران وابسته» بلافاصله به نفع «مستضعفین» مصادره شود. در کوتاه‌مدت می‌توان این کارها را کرد و دست سرمایه‌داران وابسته را از اقتصاد مملکت کوتاه نمود.»

پیر مورد مالکیت عمومی در اسلام:

«ما در اسلام مبحث «انفال» را داریم که جنگ‌ها و مراتع و منابع طبیعی و اراضی بایر را ملک دولت می‌داند.»  
«کار منشا و منبع مالکیت در اسلام است.»

در زمینه اشتغال:

«در اسلام دولت موظف است برای همه کار فراهم کند و اگر کسی پیدا شد که به‌علی بتواند کار کند دولت باید مخارجش را تأمین کند.»

حیث‌گیری ضد سرمایه‌داری:

«در اسلام سرمایه‌داری وجود ندارد.»

«ما می‌خواهیم وارد جامعه «عدل اسلام» بشویم در این جامعه هر نوع استثمار و از جمله استثمار انسان از انسان باید از بین برود.»  
«سرمایه‌های بزرگ باید ملی شود و در اختیار مردم قرار گیرد. اموالی که منشا نامشروع دارند، باید مصادره و در اختیار دولت قرار گیرد.»

سیاست خارجی:

دولت ایران باید یک سیاست مستقل براساس منافع ملت ایران در پیش گیرد... ما خواهان همزیستی مسالمت‌آمیز، همکاری تمام ملت‌ها هستیم. سیاست ما نسبت به ملت‌های مستضعف جهان باید متعهد باشد.»

حزب جمهوری اسلامی از تمام جنبش‌های رهایی‌بخش که به نفع مردم است و ضد طاغوت و امپریالیست است، حمایت می‌کند. ما هرگونه سیاست استعماری و تفرقه‌طلبانه را محکوم می‌کنیم.»

اظهارنظرهای قاطع و روشن فوق از جانب رهبران حزب جمهوری اسلامی نشانه صداقتی است که آنان در دفاع از انقلاب ایران و تعلق آن به زحمتکشان - مستضعفین - دارند. هواداری از منافع مردم و نبرد علیه امپریالیسم زمینه عینی همکاری میان حزب توده ایران و حزب جمهوری اسلامی است.

# مصاحبه با رفیق علی خاوری

### روابط جدید بین المللی را بعد از وفایع اخیر ایران با کشورهای بزرگ و همسایگان ایران چگونه می بینید؟

رژیم شاه را در اوت ۱۹۵۳ یک کودتای نظامی که توسط «سیا» تدارک داده شد سر کار آورد. این رژیم طی ۲۵ سال خادم امپریالیسم امریکا و در چندساله اخیر زاندارم امپریالیسم امریکا در منطقه بود و ایران را به پایگاه جاسوسی ضد شوروی و پایگاه تجاوز علیه کشورهای منطقه بدل کرده و از نظر اقتصادی به امپریالیسم وابسته کرد.

طبیعی است که انقلاب ایران الزاماً یک انقلاب ضد امپریالیستی و قبل از همه ضد امپریالیسم امریکا است و در مناسبات ایران و امریکا اثر گذاشته و خواهد گذاشت. امریکا دیگر نمی تواند آقای ایران باشد. بین شاه و امریکا بیش از هزار قرارداد امضا شد که هیچیک از آنها موافق منافع ملی ایران نیست. ما خواستار لغو فوری همه این قراردادها هستیم. مناسبات ایران و شوروی در ۲۵ سال گذشته علی رغم تلاش صلح جوایه شوروی توأم با نوسان هائی بود. رژیم شاه در این روابط دشواری های فراوان ایجاد می کرده است. پس از پیروزی انقلاب ایران این دشواری ها باید از میان برداشته شود و دو کشور همسایه بهترین مناسبات را داشته باشد. چنین مناسباتی به سود منافع ملی ایران و صلح منطقه است.

روابط ایران با دیگر همسایگانش یعنی عراق، ترکیه، پاکستان، افغانستان نیز در گذشته بر اساس نقش زاندارمی که امریکا به عهده رژیم شاه گذاشته بود تعیین می شد. پس از انقلاب در این مناسبات تغییرات اساسی داده می شود. ایران و پاکستان و ترکیه عضو پیمان سنتو بودند. این پیمان اینک لغو شده و لازم است که مناسبات نوین و دوستانه ای با این دو کشور همسایه برقرار شود.

در مورد روابط ایران و افغانستان، محافل ارتجاعی و امپریالیستی کوشش می کنند که دشواری هائی ایجاد کنند و در ایران پایگاهی برای باری رسانی به عناصر ارتجاعی در افغانستان به وجود آورند. این کوشش ها با منافع مردم ایران و افغانستان تناقض دارد. انقلاب ایران و افغانستان دارای جهت واحد ضد امپریالیستی است و دو کشور دوستان مشترکی دارند.

ما معتقدیم که ایران می تواند با همه همسایگان خود مناسبات دوستانه داشته باشد. میان ما و همسایگانمان هیچ مسئله مورد اختلافی که مانع دوستی باشد وجود ندارد. ما کمان می کنیم که دوستی ایران با همسایگانش می تواند راه را برای امنیت جمعی در آسیا باز کند.

کوشش در این جهت بویژه از این نظر لازم است که امپریالیسم امریکا در خلیج فارس و اقیانوس هند مشغول توطئه لری است. چنان که می دانید امریکا ناوگان پنجمی در این منطقه به وجود می آورد و پایگاه دیکو ناریا را گسترش می دهد. این اقدامات مغایر با منافع صلح در آسیا است.

در مورد مناسبات ایران با کشور عربی باید گفت که مناسبات مردم ایران با مردم فلسطین نقش تعیین کننده دارد. مردم ایران نسبت به مردم فلسطین همستکی عمیقی دارند و از جنبش آزادی بخش فلسطین حمایت می کنند - میان انقلاب ایران و انقلاب فلسطین پیوندهای استواری موجود است.

مردم ایران به صلح در خاورمیانه علاقمندند. ولی صلح برقرار نخواهد شد اگر منافع ملل عرب و قبل از همه خلق فلسطین در نظر گرفته نشود.

**نظر شما درباره مسائل نژادی در ایران چیست. بویژه درباره مسئله کرد در ایران و به طور عموم مسئله کردها؟**

به نظر ما پرشی درست فرمول بندی نشده است. آنچه مورد بحث است مسئله نژادی نیست بلکه مسئله خلق هاست. کوشش هائی می شود که موضوع را به اختلاف نژادی و یا وحدت نژادی بکشانند که درست نیست.

در ایران خلق های کونا کونی زندگی می کنند که حزب ما سالها است که بر نامه خود را به حق تعیین سرنوشت خلق های مقیم ایران تدوین و اعلام کرده است ما معتقدیم که باید تمامیت ارضی ایران بر اساس اتحاد داوطلبانه خلق های مقیم ایران تامین شود. مسأله کردها هم نظیر مسأله سایر خلق های ایران است.

پس از انقلاب ایران زمینه مناسبی برای حل مسأله خلق ها و تامین حقوق آنها فراهم شده است. محافل امپریالیستی و عمال آنها می کوشند با ایجاد تفرقه و تضعیف انقلاب مانع این کار شوند. حوادث خونینی که در سندنس، کبند (ترکمن صحرا) پیش آمد به دست این محافل به وجود آمد. ما با این گونه حادثه سازی ها مخالفیم و معتقدیم که مسأله خلق های ایران را می توان و باید در محیط سالم و در جهت وحدت و تحکیم صفوف نیروهای انقلابی ایران حل کرد.

**نظر شما درباره انتخابات مجلس مؤسسان چیست و چه برنامه ای دارید؟**

درباره مجلس مؤسسان اختصاصاً ما هنوز برنامه ای اعلام نکرده ایم زیرا هنوز خود مسأله از طرف دولت روشن نشده است. زمستان امسال پانزوم کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل شد و برنامه خود را با تحول بنیادی جامعه ایران تصویب و اعلام کرد و در این برنامه همه خطوط اساسی نظر ما نسبت به مجلس مؤسسان و قانون اساسی نیز بیان شده است.

**امکانات پیشرفت جنبش ترفی خواه و دموکراتیک را نسبت به جنبش اسلامی چگونه می بینید؟**

ما معتقدیم که در جنبش انقلابی اسلامی ایران زمینه های و اذناً متری و در جهت تکامل سالم جامعه وجود دارد که این جنبش را از قشریون مذهبی جدا می کند. ما تمام کوشش خود را به عمل می آوریم که با مسلمانان مترقی ضد امپریالیست به رهبری ایت الله خمینی اتحاد ضد امپریالیستی به وجود آوریم. ما بر اینیم که چنین اتحادی مقدور است.

## هیچ کس حق جلوگیری از توزیع مطبوعات حزب توده ایران را ندارد

مطبوعات و نشریات حزب توده ایران هم چنان اینجا و آنجا مورد بی مهری کمیته ها قرار می گیرند و کسانی که خود را «عضو کمیته انقلاب» معرفی می کنند، در تهران و شهرستان ها جلو توزیع آنها را می گیرند و گاه فروشندهگان مطبوعات را نیز مورد فشار غیر قانونی قرار می دهند.

پدنبال مراجعه دفتر حزب به مقامات رسمی کمیته های انقلاب، از طرف آنان تصریح شده است که کمیته ها چنین دستوری ندارند. مطبوعات که به طور قانونی و از طرف یک حزب قانونی کشور نشر می یابد، طبیعی است که باید در همه کشور به طور عادی توزیع شود. در چند مورد

## بهای کالاها: فشار سنج

است و مردم نیز با توجه به همین امر همه عوارض آشفتنگی اقتصادی را با صبر و تفاهم تلقی می کنند. ولی زمانی که با دقت بیشتری به اوضاع اقتصادی می نگریم منظره تغییر می کند و این واقعیت در برابر ما قرار می گیرد که همه دشواری ها محصول گذشته نیست بلکه بخش قابل ملاحظه ای از آنها محصول تصمیمات اقتصادی نادرستی است که از طرف مقامات دولت موقت اتخاذ و اجرا می شود. دولت موقت به جای این که اقتصاد کشور را نوسازی کند می کوشد تا اقتصاد بیمار و وابسته گذشته را با تمام عواقب شوم آن باز سازی کند. کندی برآفادن چرخ های اقتصادی، کندی کار سازی برای اشتغال بیکاران و گرانی روز افزون از جمله همین عواقب شوم است که از سیاست اقتصادی دولت موقت ناشی می شود.

یکی از بزرگترین دشواری ها که

اقتصاد ایران با آن مواجه شد، فرار صاحبان کارخانه ها و مؤسسات بزرگ کشور بود که بر اثر آن مؤسسات پلانکلیف مانده و تعطیل شدند و کارگران آنها بیکار ماندند. یک دولت انقلابی می توانست این مشکل را به سادگی حل کند بدین ترتیب که به کارگران این مؤسسات اجازه دهد کار مؤسسه را به دست خود گرفت و آنرا به راه اندازند. اگر فردای انقلاب فرمائی در این زمینه صادر شده بود اینک مدت ها بود که همه این گونه مؤسسات به راه افتاده بودند. اما دولت موقت که می کوشد مالکیت این مؤسسات را خدش دار نکرده سرمایه داران امپریالیستی را هم نرنجاند چنین فرمائی صادر نکرده، این مؤسسات را تاکنون پلانکلیف گذاشته و تازه به این فکر افتاده است که به قبول سخنگوی دولت «قیمت شرکت هائی باشد که صاحبان آنها فرار کرده اند» این که دولت موقت به جای این که نمایندنده نیروهای انقلابی ضد امپریالیستی

باشد خود به میل خویش قیمت ضد انقلابیونی می شود که فرار کرده اند، فقط یک حادثه تصادفی و گذرانی است دولت موقت مینا را بر این گذاشته است که ارکان اقتصاد کشور را در قیاس با آنچه که در زمام رژیم سابق بود، از ریشه و بنیانی تغییر ندهد بلکه فقط در کمیته ها و ناسبها تغییری وارد آورد. از اینجاست که دولت احیای اقتصاد ملی را به امید همان بانکها و همان سرمایه داران بزرگ سابق گذاشته است.

در اظهارات برخی از مقامات دولت موقت و بویژه در اظهارات نخست وزیر گاه روی اصطلاح «بخش خصوصی» تأکید می شود و چنین می نماید که دولت بازاریان و سرمایه داران کوچک و متوسط را در نظر دارد. اما در واقع «بخش خصوصی» به معنوهی که در گذشته وجود داشت و امروز در سیمای بانکها و مؤسسات وابسته احیا می شود، همانسا سرمایه داری بزرگ وابسته است و اگر جان بگیرد قبل از همه بازاریان و سرمایه داران کوچک و متوسط ملی را زیر فشار خواهد گذاشت و ورشکست خواهد کرد.

متأسفانه از طرف برخی محافل وابسته به دولت چنین وانمود می شود که گویا عیب کار گذشته فقط در دیکتاتوری فردی شاه بود و گویا همان سیاست اقتصادی می تواند در زیر سایه دولت دموکراتیک نتایج دیگری بدهد. در حالی که چنین چیزی کمترین رابطه ای با واقعیت ندارد و هر قدر با قیافه حق به جانب تری گفته شود همانقدر تأسپ آورتر است. نباید گمان کرد که شاه انحصارات امپریالیستی را به ایران آورد بلکه دقیق تر اینست که بگوئیم انحصارات امپریالیستی شاه را به ایران آورد و دیکتاتوری شاه به طور عمده دیکتاتوری همین انحصارات بود و اگر امروز شیعه های انحصارات امپریالیستی در ایران احیا شود یا احیای دیکتاتوری آنها فقط یک گام فاصله خواهیم داشت. اخیراً آقای بنی صدر در یک صحبت تلویزیونی از خطر «فلج اقتصادی» سخن گفت و آنرا با گسترش مبارزات کارگری مربوط کرد. تردیدی نیست که سازمان های مسئول کارگری باید با دقت مراقب اوضاع اقتصادی باشند و اجازه ندهند که محافل غیر مسئول دشواری های زائد برای اقتصاد ملی به وجود آورند، ولی باید توجه داشت که اگر خطر فلج اقتصادی وجود داشته باشد - که با کمال تأسف وجود دارد - از ناحیه انحصارات امپریالیستی و عمال آنها است که دولت در آستین اقتصاد ملی می پرورد. تجربه دوران مصدق و تجربه شیلی و دهها تجربه دیگر را فراموش نکنیم. یکی از بزرگترین حربه های امپریالیست ها برای بزمن زدن جنبش های ضد امپریالیستی و دموکراتیک فلج کردن اقتصاد ملی است. در شیلی گرانی را به جانی رسانیدند و عدم رضایت مردم را آنقدر تشدید کردند که دولت آنها به شدت تضعیف شد. در ایران زمان مصدق محاصره اقتصادی را آنقدر ادامه دادند که بازار هم بر مصدق شورید. و امروز؟ اگر ما احیای اقتصاد ملی را به عهده بانک های وابسته به انحصارات امپریالیستی بگذاریم، اگر به بزرگترین سرمایه داران امید به بندیم و بگوئیم که به دست آنان چرخ های اقتصادی را به حرکت آوریم آیا این خطر در کمین نیست که همین دست ها چرخ های اقتصادی ما را فلج کنند؟ آیا در گرانی فراینده کثونی علانی از خطر به چشم نمی خورود؟ البته درآمد نفت راه نجاتی است ولی درمان همه دردها نیست. ما معتقدیم که اگر نخواهیم قالب اقتصادی رژیم شاه را بشکنیم و اگر نخواهیم اقتصاد ملی را بر پایه منافع اکثریت قاطع مردم ایران نوسازی کنیم گرانی روز افزون ساده ترین دشواری ها خواهد بود.

### تحریف عمدی

روزنامه پیام امروز اظهارات رفیق کیانوری را در مصاحبه مطبوعاتی روز یکشنبه در یک مورد حساس یعنی رای مثبت حزب توده ایران به جمهوری اسلامی در فرآیند تحریف کرده و نوشته است: «کیانوری در مورد شرکت حزب توده در فرآیندوم گفت: برای ما چیزی از جمهوری اسلامی قابل فهم نیست. ما فقط می دانیم که آزادی و حقوق بشر قید شده و رابطه های اساسی انسان که در اعلامیه جمهوری اسلامی نهفته است.» این جمله بی ربط به موضوع در مصاحبه رفیق کیانوری نیامده است. عین گفته های ایشان در همین شماره چاپ شده و خوانندگان محترم توجه خواهند کرد که پیام امروز چگونه منظور گوینده را به طوری کامل تحریف کرده است. ما اما انتظار داریم که خبرنگار پیام امروز از این شیوه ناپسند دست بردارد.

مقامات رسمی کمیته های انقلاب از رفتار ناشایست کسانی که خود را عضو کمیته معرفی کرده اند، ابراز عدم اطلاع و تأسف کرده اند. از جمله آقای نائینی طی خبر رسمی در مطبوعات، دخالت کمیته های انقلاب را در حادثه جاده هراز تکذیب کرد. در این حادثه تنی چند، که خود را مأمور کمیته معرفی می کردند اتوموبیل حامل مطبوعات حزب توده ایران و سایر مطبوعات مترقی را متوقف کرده با آزار و توهین نسبت به جماعین، همه مطبوعات را توقیف و اتوموبیل را از کار انداخته بودند. آقای نائینی توضیح داده اند که اگر حمله کنندگان به این اتوموبیل، کارت کمیته هم ارائه داده باشند، کارشان جعلی است.

متأسفانه این نوع حوادث تکرار می شود و صاحبان کارت های جعلی به بسیاری کار های ناشایست دست می زنند، که موجب تضعیف انقلاب است. حسن میکائیل کارگر سد دن، که نماینده کارگران آن سد است، به «جرم» دریافت نشریات حزبی از طرف کسانی که خود را کمیته می نامند دستگیر شده و کارگران برای آزادی او طوماری امضا کرده اند، حتی در پایتخت که قاعدتاً سلطه مقامات مسئول کمیته ها بیشتر است، گاه مأمورین کمیته انقلاب جلو توزیع «مردم» را می گیرند. در تهران پارس تاکنون چندین بار جلو توزیع «مردم» گرفته شده است. در فلکه دوم تهران پارس، جنب قنادی، روزنامه فروشی است که «مردم» و سایر روزنامه ها را توزیع می کند. روز چهارشنبه گذشته از طرف کمیته تمام مطبوعات ایشان را توقیف کردند و «مردم» را بردند. درباره کمیته های این منطقه و نقش فردی به نام آقای «رحیم لو»، که گویا در زمان رژیم سابق با بنیاد فرح روابطی داشته، مطالب زیادی گفته می شود، که قاعدتاً مسئولین کمیته ها باید به این مطالب رسیدگی کنند. آنچه باید هم اکنون گفت این است که باید از جانب عالی ترین مقامات کمیته ها، یکبار برای همیشه و به طور قطع، جلو این گونه افراد گرفته شود.

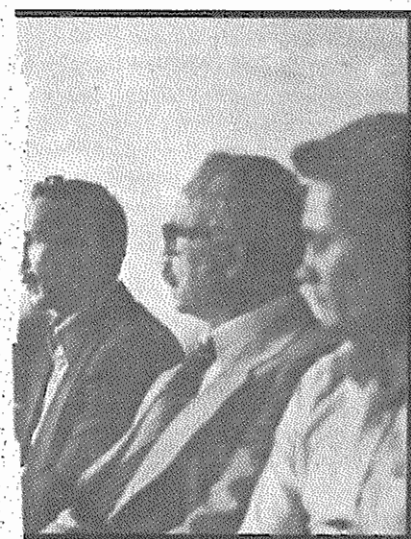
مطبوعات حزب توده ایران مدافع انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران و پیشرو نوسازی جامعه ایرانی است. هر ایرانی صدیق صرف نظر از هر عقیده و مسلک سیاسی که دارد، باید به توزیع هر چه آزادانه تر آن کمک کند.

مطبوعات حزب توده ایران قانونی است و هیچ کس حق جلوگیری از توزیع آنرا ندارد، ولو این که کارت کمیته ارائه دهد. صحت این گونه کارت ها مورد تردید است.

است. اگر جلوی این امر گرفته نشود چیزی که اقتصاد کشاورزی ما را بناوبدی کشانده است و اگر راحل‌های قطعی و بنیادی برای حل مسئله روستا و مسئله کشاورزی ایران عملی نشود این وضع بحرانی در روستای ایران عمیق‌تر خواهد شد و مسائل بسیار دردناک‌تری را به دنبال خواهد داشت این مسئله فوریت دارد و مسئله به این شکل قابل حل نیست که بگویند آقایان بروید کارتان را بکنید، هیچکس حق ندارد به مالکیت دست بزند. باید برای حل مسئله روستاهای ایران برنامه مشخص ارائه بشود.

حزب توده ایران دارای چنین برنامه‌های است و اگر این برنامه مورد موافقت قرار بگیرد اکثریت مطلق زحمت‌کشان روستا از ثمرات این برنامه برخوردار خواهند شد، و چون برای خود دورنمایی می‌بینند حاضرند فداکاری کنند. ولی اگر هیچ دورنمایی برای خودشان نبینند این وضع موقعیت بحرانی شدیدی پیش خواهد آورد. وضع سایر اقشار زحمت‌کش شهری نیز به همین شکل است. وضع زحمت‌کشان شهرها، وضع کارگران صنفی در حالتی بحرانی است. که بدون داشتن یک نقشه عمومی برای حل مسائل اقتصادی ایران و بهبود زندگی مردم قابل حل نیست. حزب ما دوران جدید مبارزه خودش را با چنین برنامه کاری آغاز می‌نماید و ما امیدواریم که بتوانیم در یک بحث آزاد بدون پیش‌داوری‌های نادرست و بدون موضع‌گیری‌های خشک و منجمد با سایر گروه‌هایی که در مبارزه شرکت کردند و ما برای مبارزه آنها احترام واقعی قائلیم، بتوانیم در یک همکاری سازنده، مرحله کنونی انقلاب ایران را به پیش ببریم. و فقط انتظار داریم که این تقاضای ما این خواست ما این پیشنهاد ما بسط یابد و از طرف سایر نیروهای انقلابی پاسخ مثبت دریافت نماید. این بود مختصری درباره سیاست‌های ما...

متذکر شد وضعی است که در کردستان و صراحتاً اعلام می‌کنیم که طرفدار آزادی کا و اقلیت‌های ملی در جامعه دمکراتیک ایران که بدون همکاری داوطلبانه این خلق‌های ا زبانی و فرهنگی سنتی گوناگونی هستند و هستند از قبیل آذربایجانی‌ها، کردها، ترک‌ جنوب ایران این‌ها عموماً بایستی در خانه داوطلبانه با هم زندگی کنند، و این در سو حقوق ملی آنها و خواست آنها جهت اداره و یگانه محترم شمرده شود.



و از این جهت ما در ایران اولین حقوق ملی ملت‌ها و خلق‌های ایران را جز و باصراحت از آن دفاع کرده‌ایم و ما در که با هرگونه جریانی که زیر لوا و پوشش مختلفه ایران انجام بگیرد ما موافق نیستیم خلق‌ها مبارزه می‌کنیم نه برای مالکیت فوود را برای خودشان بگیرند و یا بخواهند خاص خود را زیر پوشش خواست‌های ملو کردستان و ترکمن‌صحرا بخصوص نشان د این خواست‌های ملی نه فقط امکان پذیر که تحریکاتی در آغاز زیر لوای خواست به‌هیچوجه دارای محتوی مشترک واحد با نبوده است. این خواست‌ها و اعتراضات‌های گرفته به‌هیچوجه مورد پشتیبانی ما نیست و این خلق‌ها در سراسر ایران همانطور که در برنامه حزب ما هست و همان‌طور که در این برنامه پیشنهادی (پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران) گفتیم در چارچوب ایران واحد یک کشور واحد و دمکراتیک با تمام قوا دفاع می‌کنیم.

**خبرنگار فلسطین**

س - حزب توده ایران تا چه حدی از سازمان آزادیبخش فلسطین پشتیبانی و حمایت می‌کند و موضع‌گیری شما نسبت به اظهارات اخیر آقای امیرانتظام درباره سازمان آزادیبخش چیست؟

ج - درباره سازمان آزادیبخش فلسطین و در باره مبارزه خلق فلسطین برای تعیین سرنوشت خویش، حزب توده ایران از اولین روز مبارزه خلق فلسطین پشتیبانی بی‌دریغ و همهجانبه خودش را از این مبارزه علیه صهیونیست اعلام کرده است ما مبارزه خلق فلسطین را نه فقط به عنوان مبارزه خلق فلسطین برای حقوق ملی خودش می‌دانیم بلکه یکی از اجزای بسیار با اهمیت مبارزه ضد امپریالیستی جهانی علیه امپریالیسم و صهیونیسم می‌دانیم و به این جهت در تمام برنامه‌های پیشنهادی ما چه برنامه پیشنهادی ما برای جبهه ضد دیکتاتوری در موقمی که شاه هنوز اینجا حکومت می‌کرد و چه در برنامه‌ای که هم‌اکنون ارائه کردیم برای جبهه خلق برای تعمیق انقلاب ایران پشتیبانی همه جانبه از مبارزه خلق فلسطین علیه صهیونیست یکی از مواد عمده سیاست خارجی حزب ما را تشکیل می‌دهد. ما معتقدیم که مبارزان ایران اگر به مبارزه ضد امپریالیستی خودش معتقد هست می‌بایستی به جنبش‌های آزادیبخش ملی در سراسر جهان و بویژه هم‌جا اما کله بویزه را قید کردیم، به جنبش خلق فلسطین هم‌گونه حمایت بکنند و این هم‌گونه حمایت را برایش هیچ گونه حد و حصری قائل نیستیم، یعنی در صورت لزوم حمایت معنوی و حمایت مادی و من معتقدم که مبارزان ایران آماده هستند که در صورت لزوم حتی دوش به‌دوش مبارزان فلسطین برای آزادی فلسطین جنگ بکنند.

س - بخش دوم سؤال این بود که موضع‌گیری شما درباره حرف‌های اخیر آقای امیرانتظام در مورد سازمان آزادیبخش فلسطین چه بود؟

ج - من دقیقاً این اظهارات آقای انتظام را نخوانده‌ام، الان شنیدم که ایشان گفته‌اند دولت ایران از جنبش فلسطین حمایت معنوی می‌کند ما البته با این موافق نیستیم پیشنهاد ما عبارت از این هست که

حمایت دولت انقلاب اسلامی ایران از فلسطین حداقل می‌تواند آنچنان پشتیبانی باشد که دولت‌های غیر اسلامی دمکرات و آزادیخواه یعنی کشورهای سوسیالیستی نسبت به فلسطین انجام داده و می‌دهند ما می‌دانیم که کشورهای سوسیالیستی از جنبش فلسطین حمایت فوق‌العاده وسیع و همهجانبه‌ای می‌نمایند و لاقلاً انتظار ما این است که دولت انقلاب اسلامی، دولتی که در نتیجه مبارزه انقلابی علیه امپریالیسم و ارتجاع روی کار آمده و می‌خواهد مبارزه ضد امپریالیستی خودش را به‌عنوان یک پرچم ارائه بدهد حداقل مبارزه‌اش بایستی معادل آن کمک باشد و باین جهت خیال می‌کنیم که مردم ایران با این حدکذاشتن جهت کمک دولت به سازمان آزادیبخش فلسطین موافقت ندارند و تأیید نمی‌کنند.

س - منظورتان از این که حاضرید در یک بحث بسدون پیشداوری و برخورد منجمد شرکت کنید چیست؟ این سؤال را مطرح می‌کنم که چرا در حالی که تبلیغات ضد حزب توده مضمونی ۷۰ من کاغذ بوده است چرا متنی تهیه نکردید که پاسخگوی آن تبلیغات باشد؟ و نسل جدید از تاریخ گذشته خود مطلع گردد.

ج - شما می‌دانید که در ۱۵۰۰ سال قبل همان نسبت هائی را که بهما می‌دهند از قبیل خائن، وطن فروش، بدبین و امثال آن به چردان‌پروانو که از نوابخ عالم بشری و از متفکرین بزرگ قرون وسطی بود هم می‌دادند ما این‌ها را در دوران علنی حزب توده نداشتیم، نوشتیم که این اهل دشمن که ایران می‌دهند نمی‌تواند تبعید بوده دوران تبعید رجوع فرانسه نید این سابقه هم ما دادیم. اگر ما بخواهیم وقت نمی‌توانیم تهیه کنیم و تجاع با تمام یار دارد بسا دارد صبح تا صبح تا غروب

**تاریخ**

س - ما همه این اتهامات را در یک محتوی می‌دانیم. ببینید اولاً به شما بگویم. ما بسیار خونرد هستیم، یعنی اگر کسانی بهر شکلی با هر انگیزه‌ای بیایند توی روی ما بگویند شما خائن هستید مؤدبانه نیست، ما این حرف‌ها را ۳۷ سال است که داریم می‌شنویم. من فقط برای شما یک چیز را بگویم که ما برای بحث ایدئولوژیک و برای بحث مشخص با هرکسی حاضر هستیم. تمام این هفتاد منی که شما می‌گویید از چهار مورد تاریخی غلط تجاوز نمی‌کند. غلط! دروغ! تبه‌بینی، و چهارتا اشتباه طبیعی و قابل قبول.

س - شما در مجلس مؤسسان کاندید معرفی خواهید کرد؟

ج - ما کوشش خواهیم کرد. حتماً، تردید ندارد ولی بسته است به این که درجه شرایطی انتخابات انجام گیرد. چه شکلی باشد و قانون انتخابات مجلس مؤسسان چگونه باشد. در هر صورت ما شرکت سازنده خواهیم کرد حتی اگر کاندید مستقلی هم نداشته باشیم. ما شرکت خواهیم کرد. برای این که ما به این مجلس مؤسسان اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل هستیم. ما حتماً جنبه سازنده انتقادی نسبت به قانون اساسی که مطرح خواهد شد خواهیم گرفت. برای این که به‌طور اساسی با این قانون موافقیم. قانون اساسی جمهوری، قانون اساسی است که ریشه سلطنت را از بین می‌برد. اساساً ما با این چنین قانونی موافقیم و از آن پشتیبانی خواهیم کرد. در موارد گوناگونی ما جنبه انتقادی سازنده‌ای پیش خواهیم گرفت.

س - به ادعای حزب توده ایران سالیان دراز است که ارتجاع سعی می‌کند انواع تهمت‌ها را به‌حزب نسبت دهد و حال آن‌که برای گروه‌های مترقی جامعه و سازمان‌های ضد امپریالیست یک‌سری مسائل دیگر مطرح است. شاید عامل تئوریک باشد و شاید عامل ایدئولوژیک باشد و حتی در این شرایط با دلایل و شرایط تاریخی این نسبت‌ها را به‌شما می‌دهند. در مقابل آنها شما چه جواب می‌دهید؟

ج - من به‌شما گفتم که هیچ مسأله‌ای درباره حزب توده ایران نیست که ما جواب آنرا نداده باشیم و نداشته باشیم. شما هم هر مسأله‌ای دارید در رابطه شخص مطرح بکنید. مسئله قانع کردن و قانع شدن دو طرف دارد. یعنی شما می‌توانید استدلالی بکنید و با این استدلال عدو زیادی قانع نشوید. ولی این دلیل نادرستی استدلال نیست. مثلاً من یک مثال از خودتان از جنبش مارکسیستی می‌زنم. مارکس وقتی نظریات خودش را منتشر کرد طبقه کارگر جوان که این نظریات برای او بود حرف‌های او را نفهمید. طرفداران مارکس چند نفر بودند؟ در دوران اولیه او و در دوران زندگی خود او؟ گروه بسیار کوچکی استدلال هم می‌کردند، حتی آن کسانی که مارکس از منافقان دفاع می‌کرد این استدلال‌ها را نمی‌پذیرفتند. برای این که آن حرف‌ها را هنوز درک نمی‌کردند. حتی بدون حسن نیت هم نبودند. با تمام حسن نیت نمی‌فهمیدند. یعنی عدم قبول یک نظریه صحیح حتی از طرف یک گروه

وسیع با حسن نیت علامت نادرستی آن نظریه نیست. ما به این اعتقاد داریم که اگر افراد با حسن‌نیتی در جامعه، انقلابی‌هایی به‌نظریات حزب ما انتقاداتی دارند، نظریات حزب ما را نمی‌فهمند، ما این را برای سوء نیت آن‌ها نمی‌گذاریم. ولی مدعی هستیم شما هم قبول کنید که این عدم تفاهم، دلیل نادرستی حرف ما نیست. تاریخ نشان بدهد که ما درست می‌گوییم. در اینجا ما دیگر نمی‌توانیم با قانع‌شدن مبارزه کنیم. چون برای قانع شدن مقداری شرایط عینی درک لازم است شیوه برخورد طبقاتی لازم است. نظریات ما نظریات طبقاتی است. دفاع ما دفاع طبقاتی است. اگر این درک فهمیده شده باشد با یک سلسله پیش‌داوری‌های نادرست به این آسانی‌ها نمی‌شود درست را از نادرست بیرون کشید. خیلی مسائل هست که ما نتوانستیم در یک دوره تاریخی بفهمیم. ایران در جنبش جهانی انقلابی ضد امپریالیستی دوران خیلی طولانی طول کشید تا آمریکا را به‌عنوان دشمن شماره یک خود تشخیص داد. ببینید چه کسی نخستین بار آمریکا را به‌عنوان دشمن شماره یک مردم ایران اعلام کرد. خواهش می‌کنم شما بگویند از نظر تاریخی اگر اطلاع دارید. تمام نیروهای مترقی (جواب: دکتر کیانوری، حزب توده ایران. حزب توده ایران تنها نیرویی بود که دوران طولانی یک فقط یک اعلام کرد که آمریکا دشمن شماره یک است. آن وقتی که حتی انقلابی‌ترین نیروهایی که مورد احترام ما بودند می‌گفتند آمریکا دولتی است که می‌توان به‌عنوان دوست از آن استفاده کرد. اگر انقلابی‌های با حسن نیت ما آن‌روز، نمی‌پذیرفتند که ما می‌گفتیم آمریکا دشمن شماره یک مردم است، دلیل نادرستی حرف ما نبود. تاریخ نشان داد که حرف ما درست بود. ما حاضریم این بحث‌ها را همیشه تکرار کنیم ولی در مواضع خودمان هم این پی‌گیری را نشان داده‌ایم و خواهیم داد.

خبرنگار ادامه می‌دهد که اتهام به‌حزب توده ایران فقط از طرف ارتجاع انجام نمی‌شود بلکه سازمان‌های مترقی هم همان اتهامات را با شواهد و دلایل تاریخی مطرح می‌کنند. مثلاً نیروهای مشرقی مسئله خطاها یا صریح‌تر بگویم خیانت‌های حزب توده را تأیید می‌کنند.

ج - ما همه این اتهامات را در یک محتوی می‌دانیم. ببینید اولاً به شما بگویم. ما بسیار خونرد هستیم، یعنی اگر کسانی بهر شکلی با هر انگیزه‌ای بیایند توی روی ما بگویند شما خائن هستید مؤدبانه نیست، ما این حرف‌ها را ۳۷ سال است که داریم می‌شنویم. من فقط برای شما یک چیز را بگویم که ما برای بحث ایدئولوژیک و برای بحث مشخص با هرکسی حاضر هستیم. تمام این هفتاد منی که شما می‌گویید از چهار مورد تاریخی غلط تجاوز نمی‌کند. غلط! دروغ! تبه‌بینی، و چهارتا اشتباه طبیعی و قابل قبول.

خبرنگار دیگری: آقای کیانوری اجازه بدهید مسأله‌ای را که ایشان مطرح کردند من از جهت دیگری مطرح کنم. برای اینکه در طول این سال‌ها تمام تبلیغات رژیم تبلیغات سوء اش متوجه حزب توده ایران بوده و برای همین است که این نسل جوان ما بدون اطلاع یعنی بدون اینکه از تاریخ حزب توده و در حقیقت از گذشته خودش اطلاع داشته باشد وارد شده و چیزی که مورد نظر من است و با این آقا اختلاف نظر دارم این است که شما موظفید که این آگاهی را به نسل جوان بدهید تا گذشته خود را بشناسد.

ج - ببینید، من دو مطلب را بگویم. اولاً این مطلب که شما گفتید کاملاً صحیح است. ما بایستی با امکاناتی که الان داریم مقداری از مسأله‌ای را که تا حالا نتوانستیم حل بکنیم حل نماییم. ببینید من به‌شما می‌گویم. یک نسخه کتاب کوچک چاپ ریز که ما در مهاجرت چاپ می‌کردیم و به‌ایران می‌فرستادیم، برای ما ده‌تومان خرج داشت. رساندنش به‌ایران، خطر این بود که افراد لو بروند، زیر شکنجه بروند، فقط برای این که یک جلد کتاب کوچولوی مارکسیسم را ما به‌جوان‌ها بدهیم که آنرا بخوانند. چون هیچکس دیگر نداده بود. یعنی جوانان ما از رژی دوبری منحرف مارکسیسم را یاد گرفته‌اند. ما امکاناتمان فوق‌العاده محدود بود. با این امکانات محدود ما نتوانستیم کار فوق‌العاده‌ای انجام دهیم. توی خیابان‌های تهران توی پیاده‌روها اثر کار ما هست که چکار کرده‌ایم. خوب خیلی مسائل هم هست که هنوز باید جواب بدهیم. با امکاناتی که پیدا شود حتماً این مسائل را جواب می‌دهیم. این یک. دوم این که یک چیز دیگر هم می‌خواهم به‌تمام دوستان بگویم. به‌این دوستان یک جمله‌ای از بیل می‌خواهم بگویم. بیل، یکی از رهبران سوسیالیسم، نماینده سوسیال دمکراسی انقلابی آلمان هم بوده است، که من هروقت نطقی می‌کردم و می‌دیدم که دست راستی‌ها برایم دست می‌زنند به‌خودم می‌گفتند ای پیر خرفت باز چه حماقتی کرده‌ای که این‌ها برایت دست می‌زنند! چه اشتباه گنده‌ای کرده‌ای که این‌ها برایت دست می‌زنند! ما هم فقط یک چیز را به‌این انقلابیون می‌گویم که آیا شما در خودتان این تردید دیده نشده که چرا این حرف‌ها را که شما در باره حزب توده ایران حرف‌های عین همان حرف‌های است که ارتجاع و امپریالیسم علیه ما می‌زنند، رژیم شاه، رژیم دشمن مردم ایران بی‌سال، تمام این حرف‌های شما را می‌زند. آیا هیچ تردید پیدا کردید که این توافق چرا به‌وجود آمده است. به‌عقیده من این می‌بایستی شما را بفکر وادارد.

س - نظر حزب توده ایران درباره قرارداد کمپ‌دیوید که بین مصر و اسرائیل منعقد گردیده چیست؟

ج - ما معتقد هستیم قرارداد ک... د یک محصول غیرمستقیم شکست امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم است در دنیا در نتیجه انقلاب ایران و پیروزی کامیوج. بویژه انقلاب ایران. امپریالیسم در نتیجه این شکست مجبور شد که تمام نیروی خودش را به‌کار اندازد برای این که مزدوران خودش را، عمال خودش را، کارگزاران خودش را در خاور نزدیک به‌همدیگر نزدیک کند برای این که جای این شکستی را که در ایران خورده است به‌صورتی بتواند وصله‌بینه کند و یک چیزی در مقابلش ایجاد کند. این اصل پیدایش قرارداد است. خود محتوی آن عبارتست از خیانت صریح سادات و ارتجاع عرب که الان گرداننده‌اش سادات است و پشتیبانی می‌شود از طرف نیروهای ارتجاعی در سایر کشورهای عربی. به‌طور رسمی، از طرف سودان و مراکش و به‌طور غیر رسمی، یوآشکی از زیر، به‌وسیله نیروهای دیگر. این یک خیانت بزرگ است. به‌تمام خلق‌های عرب و در درجه اول به‌خلق فلسطین. ما ولی معتقد هستیم که مردم کشورهای عربی با این خیانت بی‌ادارتی خواهند شد و مبارزه علیه این سازش شدیدتر خواهد شد و ما امیدوار هستیم حتماً امیدوار هستیم که این مبارزه بالاخره، به‌پیروزی خلق‌های عرب منجر خواهد شد.

س - خبرگزاری پارس در مورد بازگشت دکتر کیانوری و سایر افراد ایرانی که سال‌هاست مجبور به‌جلائی وطن بوده‌اند، سؤال می‌کند که آیا امکان بازگشت برای سایر ایرانیان که سال‌هاست در آن‌جا زندگی می‌کنند فراهم است...؟

ج - ما بایستی بگوئیم مبارزان ایرانی که در خارج هستند و به جنبش توده‌ای ما تعلق دارند بلافاصله از آن اولین امکان که پیدا شد که به‌میهمانشان مراجعت می‌کنند آماده مراجعت شدند. خوب عده قابل بقیه در صفحه ۹



بلافاصله برگشته اند خیلی سریع. شرکت کردند در مبارزات اجتماعی ایران و بعضی هاشان هم اسلحه به دست در سقوط رژیم سابق شرکت مستقیم داشته اند. ولی متأسفانه دولت آقای بازرگان مشکلاتی برای بازگشت ایرانیها به وجود آورده است. من خودم به طور صریح بگویم که من بدون گذرنامه بالاخره آمدم. پس از این که بمبارت مراجعه کردم. پس از این که نامه به نخست وزیر نوشتم، پس از این که نامه به وزارت خارجه نوشتم، پس از این که تلگراف کردم، پس از این که نامه سرگشاده در روزنامهها منتشر کردم. بما اجازه مراجعت ندادند، من بدون هیچ گونه چیزی آمدم به سرحد ایران.

در مورد سؤال چگونگی نظر حزب نسبت به همکاری نیروها و بحث ایدئولوژیک با آنها رفیق کیانوری اظهار داشت:

ما نظرمان همان است که در پیشنهاد شازدهمین پلنوم کمیته مرکزی برای تشکیل جبهه متحد خلق دادیم. در این پیشنهاد در آخرش به طور صریح می نویسیم که ما یک برنامه سازنده برای تعمیق انقلاب ایران داریم. در این برنامه اصلاً بحث ایدئولوژیک با هیچ سازمانی نکرده ایم. کوشش ما عبارت از این است که روی این برنامه سازنده با همه نیروهایی که آماده باشند که این مواد را در این نکات با ما تشابه سلیقه دارند کار می کنیم. اگر بحثی به ما تحمیل نکنند ما وارد بحثی نمی شویم. ما تمام کوشش مان برای پیروزی انقلاب کنونی انجام می دهیم آن قدر مسائل هم هست که ما حاضریم هر گونه بحثی را، هر گونه آتش بیسی را بپذیریم. به شرط تمرکز تمام نیروها برای برنامه مشترک انقلابی. ما این پیشنهاد را به طور صریح، بارها و بارها در نشریات خودمان نوشته ایم. ما به هیچ وجه نمی گوئیم که آقایان بیائید اعلام جبهه علنی هم نکنیم، نه! آتش بیسی علنی بکنیم ولی برنامه مشترکی را به پیش ببریم. ما قبل از سقوط شاه این پیشنهاد را کردیم به تمام جمعیتها، بعد از سقوط شاه هم کردیم ما هنوز مسئله عمده انقلاب ایران را حل نکردیم. امپریالیسم هنوز پایه های فوق العاده محکمی در ایران دارد. هنوز مسئله آزادی را در ایران حل نکردیم. هنوز ارتجاع پایه های قوی در ایران دارد. هنوز دموکراسی در ایران اولین جوانه اش را زده است. هنوز این درخت قوت نکرشته است. هیچ بحث زائدی را تحمیل نمی کنیم. ما فقط اگر مورد حمله قرار بگیریم دفاع خواهیم کرد. ما پیشنهاد خود را در پلنوم در این مورد داده ایم. در گزارش ما به پلنوم فقط بحث ساختاری است، بحث سازنده است. چه باید کرد برای این که انقلاب ایران پیروز شود. برای این که پیروزی تحکیم شود، برای این که ما در جهت هدفهای انقلاب ایران به پیش برویم.

س - با توجه به ماهیت دولت و دولت های بعدی که پیش بینی می شود چگونه باشند، حزب توده ایران چه نقشی خواهد داشت؟

ج - ما برای هر گونه همکاری سازنده با دولت هایی که به طور کلی در چهارچوب هدفهای انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران، انقلابی که انجام گرفته و آغاز شده است آماده ایم و ما با آیت الله خمینی کاملاً هم عقیده هستیم که ما فقط گام اول را در انجام انقلاب برداشته ایم و هنوز راه طولانی در پیش داریم - برای این که انقلاب را به کمال برسانیم، ما حاضریم به هر گونه کار سازنده - در هر سطحی و در هر چهارچوبی.

س - آقای کیانوری، اخیراً جزوهای منتشر شده تحت عنوان گروه منشعب از حزب توده ایران - علت انشعاب چه بوده و افراد انشعابی عضو حزب توده بودند یا نه؟

ج - در یک نشریه خودشان نظریات خودشان را دادند. از این گروه ها هم در آینده چهل، پنجاه، صد، دویست، سیصدتا هر هفته یکی دو سته از اینها پیدا می شوند. چون یکی از شیوه ها آن است که هر دوفتری یا می شوند و یک اسم گنده ای برای خودشان می گذارند - و این اسم حزب توده ایران خودش یک کشش دارد - اولین سازمان انشعابی فوق العاده خصم با حزب توده ایران نه سازمان منشعب چینی بود - گروه های مائوئیستی بودند، اینها اسم خودشان را گذاشتند «سازمان انشعابی حزب توده ایران» این خود نشان می دهد که اینها خصومت وحشتناکی نسبت به حزب توده ایران دارند ولی اسم حزب توده ایران کشش دارد - و بدین جهت است که از این گروه های انشعابی از حزب توده ایران، باز هم خواهیم دید. به عقیده ما همشنان به همان جا خواهند رفت نه سایر گروه های منشعب شده از حزب توده ایران رفتند. یکی دوتا نیستند. کسانی که شما می رسید دوسه نفر دانشجوی جوانی بوده اند در یکی از شهرها در اروپا. خوب بچه هایی بوده اند ما در باره اینها غیر از یک تسم پدرا نه کاری نمی توانستیم بکنیم - چون می شناسیم - حالا یکی هم هست که من اعلامش را شما می گویم. یک روزنامه ای درآمده که، آرم مردم را برداشته و گذاشته و زیر آن نوشته «مردم پرولتاری» و در پایین بجای ارگان مرکزی حزب توده ایران نوشتند ارگان اعضای حزب توده ایران.

بعد به حزب توده اعلان جنگ دادند. این را هم باید گفت که اینها دوتا آدم شیروفرنی و مطرودی هستند که بعثت واقعا بیماری روحی از حزب توده نثار گذاشته شده اند و حالا فردا ممکن است ارتجاع ایران کار اینها را هم یک «انشعاب» حساب کند. و واقعا ما فرصت پرداختن به اینها را نداریم.

س - در هر جهت خیانت نبوده؟

ج - نه نه خیانت، نمی گوئیم، این بچه هایی هستند که گذراند ولی پایان کارشان به کجا می رسد نمی دانیم. ما به مخالفین خودمان به هیچ وجه مارک خیانت نمی زنیم. چون خیانت کلمه فوق العاده سنگینی است. ما هیچ وقت این شیوه دشمنان خود را به کار نمی بریم و خواهیم کوشید درست باشیم. امین باشیم و آن چیزی را که می گوئیم بتوانیم ثابت کنیم. اگر ما به کسی مارک خیانت می زنیم. باید ثابت بکنیم این خائن است و ما منحرفان را خائن نمی نامیم.

س - نظرتان راجع به دادگاه های انقلابی چیست و چه ایسرای می توان به آن گرفت.

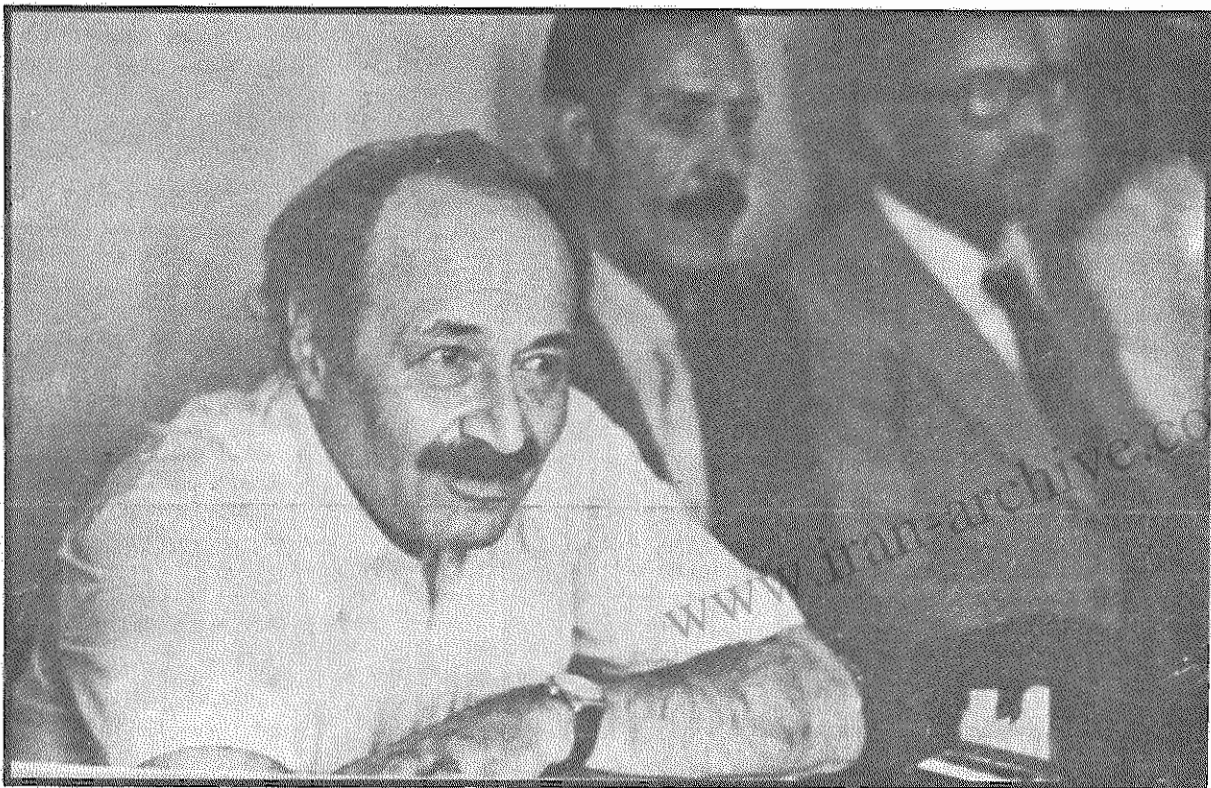
ج - من راستش را بگویم اگر نظر شخصی مرا می خواهید هیچ گونه ایرادی به دادگاه های انقلاب ندارم و محصول کارشان را فوق العاده می دانم. و ما فوق العاده با تجلیل از این اقدام یاد می کنیم. این دادگاهها انقلاب ایران را سر بلند کرده اند. این ارزیابی واقعی ما است. ما البته خیلی خوشحال می شدیم که تذکرات و ادعاهایی که در این دادگاهها طرح می شد، به نظر مردم می رسید همانطور که درباره هویدا انجام گرفت. یک افراد می که محکوم شدند حقتان بود و هیچ گونه بجنی نداریم همانطور که آیت الله خمینی گفت اینها منتهم نیستند، اینها مجرم هستند. ما نمی فهمیم آخر نصیری چه دلیلی برای این اقدام است. آیا شاه سی و چهار میلیون در فرزند اعلام کرد که اینها خائن هستند و به همین دلیل آنها را برای خیانتشان سرنگون کردند و یا فرماندهان ارتش هر کدام که فرمان کتار دست جمعی را دادند دانی است اسم اینها پرسیده شود که شما آن روز فرمان را داده اید یا نه - تمام شد.

عمل فوق العاده انقلابی انجام داده اند و این بهترین محصول جنبش انقلابی ایران است و در تمام جنبش های انقلابی چنین بوده است این زوزه هایی که علیه احکام انقلابی در غرب می کشند، این زوزه های دلسوختگان است. آنها پایگاه اساسی خودشان را از دست داده اند. مهره هایی را که دهها سال کوشیدند تا برای خدمت به خودشان تربیت کنند دارند از دست می دهند اینها دلشان می سوزد. خیلی هم زوزه می کشند. ما البته متأسفیم که در اینجا دیگر نمی توانیم به خاطر به اصطلاح انسانیت به دل سوزی آنها جز با نیشخند پاسخ دهیم.

س - این دادگاهها کارشان مورد تأیید است. اما کاش که گردانندگان این دادگاهها، متشکل از گروه های مختلف بود. چون احساس می شود که رؤسای دادگاهها و شهودی که در این دادگاهها حاضر می شوند بیشتر به منتهیون تعلق دارند. مثلاً خیلی ها می گفتند کاش صفرخان به عنوان یک زندانی سی ساله در این دادگاهها نقشی داشت نظر شما چیست؟

ج - ما جواب این مسئله را بارها در تمام مصاحبه هایی که کرده ایم، داده ایم. حزب توده ایران به عنوان یک حزب واقع بین، حزبی که دارای طرز تفکر علمی است همیشه به محتوی اهمیت درجه اول قائل است همیشه محتوی را در درجه اول میدانند نفرم. در هر پدیده ای برای ما در درجه اول تمیین کننده محتوی است. فرمش برای ما در درجه دوم و فرعی است به همین دلیل هم ما به دادگاه های انقلابی به همین جهت روبرو می شویم. محتوی این محتوی، انقلابی است. محتوی مثبت است. محتوی است که مورد تأیید تمام مردم ایران که رنج کشیده هستند. فرمش بکلی جنبه فرعی دارد اگر روزی دیدیم دارند منحرف میشوند از آن هدفی که انقلاب ایران گذاشته است آنوقت باز هم برای تغییر محتوی کوشی خواهیم کرد. اگر لازم باشد برای تغییر محتوی تغییر فرم تعیین کننده باشد آنوقت ما برای فرم مبارزه خواهیم کرد یعنی وقتی که فرم تبدیل شود از عامل فرمی به عامل تعیین کننده و عمده. این

امپریالیسم امریکا حق دارد بیاید کسریوم نفت را برقرار کند و نفت ما را بخورد یعنی آزادی برای تبلیغ این که مستشاران امریکایی حق دارند دوباره به ایران بیایند - نه ما این را آزادی نمی دانیم. آزادی در چهارچوب دفاع از حقوق مردم ایران در جهت انقلاب دموکراتیک و ملی ایران یعنی در جهت مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی برای ما قابل قبول است بارها ما روی این نکته تکیه کرده ایم که همواره آیت الله خمینی تأمین همه آزادی ها را جزء لاینفک آزادی جمهوری اسلامی اعلام کردند و اخیراً هم تأکید کردند که این آزادیها در قانون اساسی جدید تثبیت خواهد شد و ما از این لحاظ فوق العاده خوشحال هستیم که این امکان خواهد داد تا اگر ایران دارای یک رژیم سرمایه داری هم باشد امکان چنین مناسبات دوستانه ای خارج از هر گونه برخوردی با کشورهای سوسیالیستی موجود است و کشورهای سوسیالیستی به هیچ وجه چیزی را نمی خواهند به کشور ایران تحمیل کنند و به هیچ ملتی نمی خواهد تحمیل کند و به همین علت هم دوستی با کشورهای سوسیالیستی را برای هر دولت ملی یکی از ارکان بنیادی سیاست خارجی می دانیم. به نظر من دولت ملی دکتر مصدق در دوران آخر حکومت خودش به این حقیقت کاملاً پی برده بود و صریحاً اعلام کرده بود که به این دوستی ارجح می گذارد و ما حالا در گفته های رهبران جمهوری اسلامی بخصوص آیت الله خمینی بارها دیدیم که به این مسئله توجه دارد که کشورهای سوسیالیستی دوستی ایران را می خواهند و او هم اعلام کرده است که کوشی خواهد کرد که این دوستی با کشورهای سوسیالیستی را تحکیم بکند و در عمل هم ما اعتقاد داریم که تجربه خود خلق های ایران و نیروهای پیشرو در ایران روبرو این دوستی را محکم خواهد کرد. نمونه هایش انقدر زیاد است که من لازم نیست اینجا نمونه بدهم. دیگر سؤال نیست؟ بحثی نیست؟ ما تشکر می کنیم که حوصله کردید و عقاید و نظریات ما را شنیدید. در اینجا یک نکته را بگویم که مادر این مسئله که الان که در ایران



ممکن است در یک حالتی پیدا شود یعنی یک تغییر فرم لازم باشد برای این که یک محتوی انقلابی در آن فرم سابق دیگر نمی کشد. مثلاً محتوی دموکراسی در فرم شاهنشاهی نمی کشد، سلطنت باید از بین برود برای اینکه دموکراسی برقرار شود. به همین دلیل هم ما با تمام کسانی که معتقد بودند میشود دموکراسی را در چهارچوب سلطنت حفظ کرد همیشه شدیداً مخالف بودیم و می گفتیم این سازشی است برای تأیید سلطنت.

س - حزب توده ایران با هدف مبارزه با امپریالیسم جهانی، با اردوگاه سوسیالیسم وابسته است یا همیشه است؟

ج - ببینید وابستگی اصلاً برای ما مفهوم ندارد، فقط همفکری و همبستگی بین المللی داریم. همبستگی بین المللی تمام آزادی خواهان و دموکرات ها و ضد امپریالیست ها را برسمیت می شناسیم. اساس طرز تفکر و سیاست ما همبستگی بین المللی ضد امپریالیست است در جهت وسیع کشورهای سوسیالیستی، نهضت ملی دموکراتیک و کارگری جهانی و جنبش های آزادی بخش ملی. این است هدف و در این چهارچوب است. و ما معتقد هستیم و من در همان اولین مصاحبه خودم گفتم که کشورهای سوسیالیستی هیچ چیز دیگری آرزو ندارند جز این که ایران یک ایرانی باشد مستقل، ایرانی باشد ضد امپریالیست، ایرانی باشد پیشرو و مترقی ارجح می گذارند و ما حالا هم در گفته های رهبران جمهوری اسلامی بخصوص آیت الله خمینی بارها دیده ایم که او به این موضوع توجه دارد که کشورهای سوسیالیستی دوستی ایران را می خواهند و او هم اعلام کرده است که کوشش خواهد کرد که این دوستی با کشورهای سوسیالیستی را تحکیم کند، مستحکم تر کند و در عمل هم ما اعتقاد داریم که این دوستی حتماً در تجربه به سود خلق های ایران و نیروهای انقلابی در ایران و نیروهای پیشرو در ایران تجربه شان روز بروز این دوستی را تحکیم خواهد کرد و نمونه هایش در دنیا آنقدر زیاد است مانند لیبی، الجزایر، فلسطین و سوریه که ما دیگر لازم نیست در اینجا نمونه بگوئیم.

در اینجا یک نکته را باز هم بگویم که ما در این مسئله ای که در ایران مطرح شده یعنی پیدایش نیروهای که تحت لوای اسلام و پسا چیزهای مختلف به شکل از اشکال کوشش می کنند که آزادی های دموکراتیک را محدود کنند یعنی آزادی مطبوعات را محدود بکنند، آزادی رادیو تلویزیون را محدود کنند، ما به طور صریح نظرمان را می گوئیم. ما با هر گونه آزادی که در اعلامیه حقوق بشر ثبت شده است موافقیم و با هر گونه محدود کردن این حقوق جدا مخالفیم و این را آغاز یک تحمیل یک طرفه به آزادی های خلق می دانیم و به این جهت صرف نظر از اختلاف عقیده سیاسی، از اختلاف تاکتیکی در مسائل اجتماعی، در مسأله دفاع از آزادی های دموکراتیک، آزادی مطبوعات، حاضر هستیم با همه نیروهایی که در این جهت مبارزه می کنند همکاری همچنانچه دانسته باشیم. آزادی مطبوعات یکی از اساسی ترین آزادی هایی است که برای تأمین سایر آزادی های دموکراتیک ضروری و اجتناب ناپذیر است و به هیچ وجه نمی توان از آن گذشت. ما با هر گونه کوششی که در این جهت انجام بگیرد که آزادی مطبوعات و آزادی اظهار عقیده را از سایر نیروهای مخالف سلب کند مخالف هستیم ولسی ما معتقد هستیم که می شود آزادی را حذف کرد ولی آزادی برای برگرداندن

## مصاحبه مطبوعاتی

### رفیق

## نورالدین کیانوری

مطرح شده که نیروهای پیدا شدند که تحت لوای اسلام یا چیزهای مختلف به شکلی از اشکال کوشش می کنند که آزادی های دموکراتیک را محدود بکنند، آزادی مطبوعات را محدود بکنند ما با هر گونه محدود کردن آزادی هایی که در اعلامیه حقوق بشر قید شده جدا مخالفیم. به این جهت صرف نظر از اختلاف عقیده سیاسی و از اختلاف تاکتیکی در مسائل اجتماعی ما در مسئله دفاع از آزادی های دموکراتیک آزادی مطبوعات حاضر هستیم با همه نیروهایی که در این جهت مبارزه بکنند همکاری همچنانچه دانسته باشیم آزادی مطبوعات یکی از اساسی ترین آزادی هایی است که برای تأمین سایر آزادی های دموکراتیک ضروری و اجتناب ناپذیر است و به هیچ وجه نمی شود از آن گذشت و هر گونه کوششی را که در این جهت انجام بگیرد که آزادی مطبوعات و آزادی اظهار عقیده را از سایر نیروهای رقیب یا مخالف سلب بکند ما مخالفیم ولی البته ما معتقد نیستیم که به کسریوم رژیم سابق رژیم شاهنشاهی و مستشاران امریکایی آزادی بدهند. ما آزادی می خواهیم در چهارچوب دفاع از حقوق مردم ایران در جهت انقلاب دموکراتیک و ملی ایران. ما خیلی خوشحال هستیم همیشه آیت الله خمینی تأمین همه آزادی ها را جزء لاینفک آزادی های جمهوری اسلامی اعلام می کند و تأیید کردند که این آزادیها در قانون اساسی جدید تثبیت خواهد شد. من فعلاً چیزی ندارم بگویم فقط خواهیم این است که از دوستانی

### خاطره

## شهیدان ارمنی

### جاودان باد!



رفیق شهید جهانگیر باغدانیان

روز جمعه، ۲۴ فروردین، به مناسبت شب عید پاک، صدها نفر از مبارزان انقلابی در کورستان قدیمی آرامنه گرد آمدند تا یاد مبارزانی را که در پی کار بر ضد امپریالیسم و سلطنت پهلوی و در راه آرمان‌های حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، به شهادت رسیده‌اند، گرامی دارند. دسته کل‌های فراوانی از جانب گروه‌های مختلف سیاسی نثار آرامگاه شهیدان ارمنی شد، و در این میان جای خالی رفیق شهید زاخاریان، که گوری نداشت، چون این مبارز قهرمان زیر شکنجه شهید شد و جنایت‌کاران ساواک پیکر او را نابود کردند، تاثر عمیق حاضران را برانگیخت. در این مراسم پیام حزب توده ایران به شرح زیر خوانده شد:

«ما امروز در اینجا جمع آمده‌ایم تا خاطره تابناک همه مبارزان راه آزادی و استقلال را گرامی بداریم. از بین ارتش بزرگ جانبازان راه نجات



رفیق شهید مالوست زاخاریاس (معروف به زاخار)



رفیق شهید آرسن آوانسیان

خلق ایران فرزندان قهرمانی مانند وارطان سالخانیان، جهانگیر باغدانیان، آرسن آوانسیان، کولیا زاخاریان، آرمانیس سرکیسیان، آرمانیس قارخانیان، آوریس سرویسیان، اوهمان پریجانیان، خورن قارخانیان، که با جان‌بازی خود نمونه‌های درخشان ایمان پاک، اعتقاد راسخ و مبارزه دلیرانه و جسورانه از خود نشان داده‌اند، در اینجا خفته‌اند. این مردان قهرمان در تیره‌ترین روزهای تاریخ ایران، که استبداد پیداد می‌کرد، آرام نگرفتند و به بی‌کاری نابرابر، ولی سرشار از دلیری و قهرمانی به‌با خاستند و مصلحت نبرد سهمگین خلق را علیه امپریالیسم و ارتجاع و استبداد، به دوش کشیدند. آن‌ها از شکنجه‌ها، از حبس‌ها و از اعدام و تیرباران نهراسیدند. و کار این قهرمانان نعتها الهام‌بخش مبارزات مردم ما است، بلکه در مقیاس جهان از شهرت و احترام خاصی برخوردار است. شهادت حماسه‌آفرین وارطان از نمونه‌های کم‌نظیر حماسه نبرد آزادی با استبداد،



رفیق شهید وارطان سالخانیان



رفیق شهید خورن قارخانیان

آگاهی با جهل، استتال با سیطره و ستم امپریالیستی است. امروز در بهار آزادی، جای این مردان از خود گذشته و قهرمان، که قلب بزرگشان سرشار از عشق به مردم زحمت‌کش وطن ما بوده است، خالی است. ولی قلب همه ما، درخشان ایمان پاک، اعتقاد راسخ و مبارزه دلیرانه و جسورانه از خود نشان داده‌اند، در اینجا خفته‌اند. این مردان قهرمان در تیره‌ترین روزهای تاریخ ایران، که استبداد پیداد می‌کرد، آرام نگرفتند و به بی‌کاری نابرابر، ولی سرشار از دلیری و قهرمانی به‌با خاستند و مصلحت نبرد سهمگین خلق را علیه امپریالیسم و ارتجاع و استبداد، به دوش کشیدند. آن‌ها از شکنجه‌ها، از حبس‌ها و از اعدام و تیرباران نهراسیدند. و کار این قهرمانان نعتها الهام‌بخش مبارزات مردم ما است، بلکه در مقیاس جهان از شهرت و احترام خاصی برخوردار است. شهادت حماسه‌آفرین وارطان از نمونه‌های کم‌نظیر حماسه نبرد آزادی با استبداد،

## مشکل مسکن را می‌توان حل کرد

مقاومت قهرمانانه ساکنان خارج محدوده در برابر مهاجمین رژیم شاه - ساواک هنگامی که قصد ویران کردن خانه‌های خشت‌وگلی‌شان را داشتند یکی از پرشورترین حوادث انقلابی ایران طی دو سال گذشته است. هنوز فریاد خشمگین مردم خارج محدوده‌نشین هنگامی که با مشت‌های گره کرده به‌جنگ مهاجمین آریامهری رفتند در فضای ایران طنین‌افکن است. شاید به‌جرات بتوان گفت مقاومت مردم در برابر عمال رژیم گذشته یکی از نخستین مقاومت‌های رویاروی توده مردم در برابر رژیم شاه - ساواک بود.

جدا از این که این جرقه انقلابی چقدر در شکل‌گیری روحیه مردم برای مقاومت در برابر اعمال غیرانسانی رژیم شاه موثر بوده است این مساله قابل بحث است که مسکن به‌عنوان یکی از صدها مشکل اجتماعی که سال‌ها مردم ایران و مخصوصاً زحمتکشان را رنج می‌داده و می‌دهد می‌بایست دقیقاً مورد توجه دولت قرار گیرد و به‌نفع توده‌های مردم حل شود.

توجه حضرت آیت‌الله خمینی به این مساله بسیار حیاتی‌که خود یکی از انگیزه‌های انقلابی مردم بوده است گواه این واقعیت است که باید به‌کابوس شوم مسکن هرچه زودتر در ایران پایان داده شود و به نظر ما این مشکل حل نمی‌شود مگر با برنامه درازمدت و کوتاه مدت دولت و درهم شکستن بورس‌بازی زمین که چون سدی در برابر کوشندگان راه خاتمه‌دادن به‌مشکل مسکن قرار دارد.

در جهت حل مشکل مسکن دولت می‌بایست به‌بورس‌بازی زمین خاتمه دهد و این عمل تنها با خاتمه دادن به مالکیت‌های بزرگ بر زمین امکان‌پذیر است. یعنی همان گفته آیت‌الله خمینی براین که نباید پول زمین داده شود.

البته بی‌شک منظور گرفتن قطعه‌زمینی نیست که در اختیار مردمی است که برای خود و خانواده‌شان خانه ساخته‌اند بلکه منظور میلیون‌ها متر زمینی است که در دست ممتی زمین‌باز حرفه‌ای و زمین‌خوار حرفه‌ای است.

حزب توده ایران معتقد است با اتخاذ چنین سیاسی می‌توان و باید مشکل مسکن

را به‌عنوان یکی از خواست‌های انقلاب حل کرد. به‌همین دلیل است که در برنامه خود این مساله را مورد توجه قرار داده و به‌دستی اعلام داشته است که با احداث و تأمین مسکن بهداشتی و راحت و ارزان برای زحمتکشان شهر و ده با کمک دولت و نیز با کمک موسساتی که این زحمتکشان در آن‌ها به‌کار مشغول‌اند و همچنین تقلیل اجاره بهای مسکن، موسسات و دکان‌ها و تنظیم و اجرای برنامه نوسازی شهرها و روستاهای ایران به‌منظور تأمین رفاه و زندگی مردم حل می‌شود.

ما توجه به‌دقت نظر آیت‌الله خمینی در باره این مشکل اجتماعی مردم ایران و آنچه در برنامه حزب توده ایران به‌صراحت عنوان شده است ما فکر می‌کنیم در زمینه حل این مشکل می‌توانیم طرح و برنامه عمل ارائه بدهیم و از تردید در این مورد همکاری کنیم.

به‌نظر ما بعد از سلب مالکیت از زمین‌خواران و زمین‌بازان حرفه‌ای که شاید در طول انقلاب تعداد زیادیشان از ایران گریخته باشند (نظیر خانواده شاه و وابستگان دور و نزدیکش که در سال‌های گذشته نقش بزرگ در به‌وجود آمدن مشکل مسکن بورس‌بازی زمین و خانه داشته‌اند) برای رفع مشکل مسکن می‌بایست دو برنامه کوتاه مدت و دراز مدت را دنبال کرد.

برنامه درازمدت در این مورد به‌وجود آوردن کارخانه‌های تهیه مسکن جهت خانه‌سازی دولتی و تدارک خانه‌سازی برای کارگران و زحمتکشان در کنار کارخانه‌ها با مشارکت کارخانه‌داران در این زمینه است و به‌عنوان برنامه کوتاه مدت می‌توان خوابگاهی را برای تقلیل اجاره‌بهای خانه و همچنین استفاده از خانه‌های خالی را در نظر گرفت.

در این مورد با توجه به جو انقلابی حاکم برجسته و با توجه به روحیات مردم می‌توان راه‌حلی حتی به‌طور موقت تا زمانی که برنامه‌های درازمدت دولت به زمان بهره‌برداری برسد پیدا کرد. مثلاً همچنان تأکید می‌کنیم که حل اساسی مشکل مسکن از طریق برنامه درازمدت و با حل مالکیت بزرگ بر زمین حل می‌شود.

با توجه به کمبود حیرت‌انگیز مسکن که هر سال بیشتر از سال گذشته محسوس می‌شود. درنگ در این زمینه جایز نیست. این آمار را شاید بیشتر کسانی که با مشکل مسکن دست و پنجه نرم می‌کنند به‌یاد داشته باشند که ایران هر سال به ۳۰۰ هزار واحد مسکونی جدید نیاز دارد.

# تروتسکیسم همکار امپریالیسم است نه نماینده سوسیالیسم

کردن چه معنی دارد؟ جز این نیست که بخواهند بدینوسیله از یک سو سوسیالیسم را لکه‌دار کنند، و از سوی دیگر برای این گروهک ضد کمونیست کسب آبرو کنند؟ جز اینست که می‌خواهند بدین وسیله از یک سو به‌تفرقه، سردرگمی و گمراهی حزب کارگری سوسیالیست ایران، زنده و از سوی دیگر از تجلی و قدرت جاذبه سوسیالیسم علمی جلوگیری کنند؟ بهترین دلیل برای صحت مدعا آنست که نماینده تروتسکیست‌ها، زیر شعارهای چپ‌نمایانه ضد سرمایه‌داری، در واقع کوشیدند تا استراتژی و تاکتیک کمونیست‌ها - و نماینده اصیل آن‌ها حزب توده ایران، را در شرایط کنونی، که عبارتست از اتحاد تمام نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک برای تحکیم دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران و نوسازی جامعه، در همین جهت وارونه جلوه دهد و از این راه به‌هدف واقعی خود، یعنی ایجاد تفرقه بین این نیروها، بویژه بین کمونیست‌ها و سایر نیروهای انقلابی نائل آید.

اگر گردانندگان رادیو تلویزیون برخورد بی‌طرفانه و صادقانه دارند باید به‌حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران را، که بیانگر اصیل و واقعی سوسیالیسم علمی در میهن ماست و به‌همین خصلت در بین تمام زحمتکشان و نیروهای اصیل انقلابی در ایران و جهان شناخته شده است، امکان دهند که سیاست خود را از رادیو تلویزیون به‌مردم ایران توضیح دهد.

این‌را هم باید گفت که در برابر روش تبعیض آمیز رادیو - تلویزیون مردم میهن ما که آگاهی و هشیاری خود را در انقلاب بزرگ خویش بیش از هر زمان دیگری نشان داده‌اند، سره را از ناسره باز می‌شناسند و قضاوت عادلانه خود را می‌کنند. آن‌هایی که خود را بنا فضیلت دیگران می‌پوشاند و آن‌هایی که به‌این دروغ کسب می‌کنند، در برابر این مردم مسئولند.

هفته گذشته رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی ایران، نخستین بحث و مناظره‌آزاد بین آقای ابوالحسن بنی‌صدر، یکی از صاحب‌نظران اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و آقای بابک زهرانی، عضو هیئت اجرائی حزب کارگری سوسیالیست ایران، را، به‌عنوان سخنگوی مکتب سوسیالیسم، پخش کرد. این عمل، یعنی ایجاد امکان برای بحث و مناظره آزاد بین صاحبان عقاید گوناگون مسلکی و سیاسی، به‌خودی خود مثبت است، البته بشرط آن که بدون کمترین تحریف و تبعیض انجام گیرد. ولی متأسفانه گردانندگان رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی ایران، با پوشاندن ماهیت واقعی سازمانی که آقای بابک زهرانی نماینده‌ی آن‌را برعهده داشته، از همان آغاز این اقدام به‌خودی خود مثبت را خدشه‌دار کرده‌اند. آن‌ها با این قلب حقیقت به‌گمراه کردن مردم دست‌زده‌اند. چرا؟

همه واردان به‌مسائل سیاسی می‌دانند که «حزب کارگری سوسیالیست ایران» یک گروهک تروتسکیستی است که همین جندی پیش توسط معدودی در امریکا تشکیل شده و کوچک‌ترین ریشه‌ای در بین مردم ایران ندارد، که تروتسکیست‌ها به‌عنوان یک گرایش طرد شده از جنبش جهانی کارگری و کمونیستی، نه‌تنها نماینده سوسیالیسم نیست، بلکه جز تحریف و جعل و تقلب در سوسیالیسم علمی، جز اغلال و تفرقه در جنبش جهانی کارگری و کمونیستی و جنبش‌های آزادی‌بخش ملی، جز دشمنی با احزاب کمونیست و کارگری و سوسیالیسم واقعاً موجود و همه نیروهای اصیل انقلابی، وظیفه دیگری برای خود نمی‌شناسد. و این‌را هم می‌دانند که تروتسکیست‌ها، اگرچه زیر نقاب «سوسیالیسم»، «مارکسیسم» و «کمونیسم» انجام می‌گیرد، ولی عملاً چیزی جز خدمت به‌کارزار ضد کمونیستی و ضد انقلابی امپریالیسم نیست. آن‌وقت چنین گروهکی را «نماینده سوسیالیسم» معرفی

خواهانه با منافع و علایق وامانده‌های اشرافیت فئودالی، روحانی نمایان مرتجع و عمال‌گارت‌گر امپریالیسم در تضاد قرار می‌گرفت. این نیروها همراه با جریان‌های افراطی چپ بویژه خرابکاران، مائوئیست با پشتیبانی امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه علیه انقلاب افغانستان دست به‌توطئه، خرابکاری و یورش مسلحانه زدند. اقدامات تخریبی و ضد انقلابی این نیروها زیر رهبری و پوشش یک باند تروتسک به‌نام «اخوان‌المسلمین» صورت می‌گیرد. اینان عوام‌فریبانه می‌کوشند خود را پیرو مکتب اسلام نشان دهند و از عقاب‌ماندگی فرهنگی اقشار وسیع روستایی سوء استفاده کنند. اما همان‌طور که روزنامه «کابل‌تایمز» به‌دستی خاطر نشان می‌کند «این دارو دسته، مسلمانان دروغین هستند، آن‌ها می‌کوشند چهره خود را در پشت اسلام راستین پنهان کنند... آن‌ها به‌ارتجاعی محلی خدمت می‌کنند و برای کارهای که بر ضد منافع ملی و انقلاب خلقی افغانستان انجام می‌دهند از کمک‌های محافل امپریالیستی برخوردارند.»

اما حکومت انقلابی افغانستان، هوشیارانه از انقلاب پاسداری می‌کند. حزب دمکراتیک خلق و دولت‌جمهوری دمکراتیک افغانستان از پشتیبانی وسیع و قاطع توده‌های مردم برخوردار است. حزب و دولت، علی‌رغم همه توطئه‌های ارتجاعی و امپریالیستی، در کار ساختن جامعه نوین به‌کامیابی‌های بزرگی دست یافته‌اند. روند استحکام حاکمیت خلق با کامیابی به‌پیش می‌رود، اصلاحات ارضی با قاطمیت و مرحله به‌مرحله انجام می‌شود و از سوی زحمتکشان با شور و شادی مورد استقبال قرار می‌گیرد. اجرای سیاست صلح، عدم تمهید، گسترش مناسبات برابر حقوق و با سود متقابل با همه کشورهای با احترام و حیثیت جمهوری دمکراتیک افغانستان در صحنه جهان می‌افزاید.

کشاورزان بی‌زمین و دهقانان فقیر به زمین‌داران و رباخواران لئو گردید، که در نتیجه ۱۱۵ میلیون دهقان بی‌زمین که در زمین که ۸۵ درصد ساکنان روستا را تشکیل می‌دادند از قید بردگی‌دیرین رها شدند. در فرمان شماره ۷، حق ننگین پرداخت شیربها لئو گردید و در فرمان شماره ۸ انجام اصلاحات ارضی به‌منظور «نابودی مناسبات فئودالی و ماقبل فئودالی در نظام اقتصاد ملی کشور، با گسترش و تعمیق همبستگی طبقه کارگر و دهقانان برای تحکیم هرچه بیشتر اتحاد مردم افغانستان به‌سود ساختمان جامعه بدون طبقات متضاد و عاری از بهره‌کشی انسان از انسان، افزایش فراورده‌های کشاورزی به‌منظور فراهم کردن خواربار گوناگون برای مصرف تمام مردم کشور و تولید مواد خام برای صادرات و گسترش صنایع»، پیش‌بینی شد.

با آن‌که هنوز بیش از چند ماه از آغاز برنامه اصلاحات ارضی در افغانستان نمی‌گذرد، این اصلاحات با استقبال گرم و پرشور توده‌های زحمتکش مواجده شده و بر زندگی مردم اثراتی ژرف و بینادی گذاشته است.

در طول این یک‌سال دولت انقلابی به‌رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان گام‌های جدی در جهت بالابردن درآمد ملی، افزایش تولیدات کشاورزی، ساختمان نیروگاه‌ها، راه‌های سراسری، استخراج معادن و نیز کنترل قیمت فراورده‌های غذایی، مبارزه با احتکار و گرانفروشی، تخفیف بهای خواربار برای کارگران و دیگر کارکنان بخش دولتی، نوسازی دادگستری، کمک پزشکی، رایگان، از میان برداشتن بیکاری و گسترش شبکه‌های آموزشی برداشته و از آغاز سال ۱۹۷۹ نخستین برنامه پنج‌ساله پیشرفت اجتماعی و اقتصادی کشور را به‌اجرا گذاشته است.

روشن است که همه این اقدامات ترقی

### دستاوردهای انقلاب...

نیروهای دمکراتیک ارتش که از پشتیبانی قاطع توده‌های وسیع مردم برخوردار گردید، انقلاب ملی و دمکراتیک به‌رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان به‌پیروزی رسید.

نخستین برنامه دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان که در ۹ ماه سال گذشته توسط نورمحمد ترکی از رادیو کابل اعلام گردید، دفاع از تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، استقلال کشور و دستاوردهای انقلاب آبریل را وظیفه همه میهن‌پرستان دانسته و بر لزوم از میان برداشتن عقاب‌ماندگی اقتصادی، برقراری استقلال ملی، گسترش صنایع، نوسازی کشاورزی و بالابردن سطح زندگی مردم تأکید شده بود.

افغانستان یک کشور کشاورزی است که ۸۵ درصد مردم آن به‌نحوی به‌کار کشاورزی اشتغال دارند. تولیدات کشاورزی ۶۰ درصد تولیدات ملی را تشکیل می‌دهد. سهم این تولیدات در صادرات افغانستان ۷۰ درصد است. پیش از انقلاب ماه آوریل، به‌واسطه شیوه‌های کهنه و پدراشی حاکم بر تولید کشاورزی و پایدار ماندن شکل نیمه فئودالی بهره‌کشی از دهقانان، کشاورزی افغانستان بسیار عقب‌مانده بود به‌طوری‌که برای سیر کردن شکم ۱۶ میلیون اهالی کشور هر ساله ۱۵۵ تا ۲۰۰ هزار تن غله از خارج وارد می‌شد و این کمبود در دیگر محصولات کشاورزی نیز چشمگیر بود.

۵ درصد از مردم دهشتین ۵۰ درصد زمین‌های مرغوب کشاورزی را در دست داشتند و وسایل و عوامل کشت نیز متعلق به آن‌ها بود. حکومت انقلابی انجام اصلاحات ارضی بنیادی به‌سود زحمتکشان روستا و اعتلای کشاورزی را سرلوحه برنامه خود قرار داد. در فرمان شماره ۶، بدعی